

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

عنوان

جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۷ شورای نگهبان
(عصر)

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۶۱

تاریخ: ۱۳۹۷/۱۱/۳۰



پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

مشروح مذاکرات شورای نگهبان
جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۷ شورای نگهبان
(عصر)

ویراستار و مستندساز: سعید رحمانیان

بازبین:

محمد رضا اصغری شورستانی

ناظر علمی:

کاظم گوهری اصفهانی

گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۶۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۱۱/۳۰

پژوهشکده شورای نگهبان



جلسه ۱۳۹۳/۱۰/۱۷ شورای نگهبان

(عصر)

فهرست مطالب

۲مقدمه

۳ طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت

مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفساریه‌های مربوط به اصول قانون اساسی در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و سرانجام در قالب نظریه شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود. بدین‌سان، مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان به جهت محتوای علمی قابل استفاده‌ی آن برای احاد علاقه‌مندان به این مباحث، به ویژه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان، گروه تدوین نظرات و مبانی آرای شورای نگهبان، به‌عنوان یکی از شرح وظایف خویش در پژوهشکده شورای نگهبان، آماده‌سازی متون مذاکرات جلسات شورای نگهبان برای انتشار عمومی را در دستور کار دارد. این مهم، در چند مرحله به شرح زیر انجام می‌پذیرد: پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی جلسات شورای نگهبان، این متون در اختیار کارشناسان گروه قرار می‌گیرد تا از لحاظ فنی و ادبی ویرایش شده و در صورت لزوم، اظهارات اعضای شورا مستندسازی شود. سپس متون ویرایش و مستندسازی‌شده از لحاظ صحت، اتقان و انطباق با محتوای متون اولیه و همچنین از جهت ویرایشی، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در نهایت، متون بازبینی‌شده بار دیگر از جهات مذکور توسط ناظران علمی پروژه، به طور دقیق، از جهت شکلی و محتوایی بررسی می‌شود و سپس منتشر می‌گردد.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه‌ی این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام معظم رهبری، خواسته‌ی جامعه‌ی علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه‌ی چنین آثاری می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه علاقه‌مندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت

جلسه ۱۳۹۳/۱۰/۱۷ (عصر)

منشی جلسه - ادامه‌ی رسیدگی به «طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت»^(۱)

ماده الحاقی ۵۸- صندوق تأمین اجتماعی موظف است کارگزاران و پیمانکاران حقیقی و افراد حقوقی و سایر افرادی که به عنوان کارگر یا تحت هر عنوان دیگر طرف قرارداد مخابرات روستایی بوده و می‌باشند را پس از واریز حق بیمه سهم کارگر توسط کارگزار و پیمانکار (کارگر) و تا زمان فروش سهام مدیریتی بر اساس قانون تأمین اجتماعی و قانون کار تحت پوشش بیمه قرار دهند. در هر صورت وزارتخانه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و امور اقتصادی و دارایی، ملزم به رفع مشکلات اجرای بند (۶۴) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور^(۲) مرتبط با کارگزاران مخابرات روستایی هستند و شرکت

۱. طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۹ به تصویب نمایندگان رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۴۸۸/۶۶۴۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۹ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه در مجموع، سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی، رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۲ و ۱۳۹۳/۱۹/۱۹ به صورت غیر رسمی و در جلسه ۱۳۹۳/۱۰/۱۰ و جلسات صبح و عصر ۱۳۹۳/۱۰/۱۷ به صورت رسمی بررسی کرد و در مرحله‌ی دوم آن را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با قانون اساسی و موازین شرع را به ترتیب طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۰/۳۲۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ و ۹۳/۱۰۲/۳۶۲۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۴ مجلس شورای اسلامی، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۶ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۶۸۹ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۶ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. بند (۶۴) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «۶۴- صندوق تأمین اجتماعی موظف است کارگزاران و پیمانکاران مخابرات روستایی موضوع جزء (و) بند (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور را پس از واریز حق بیمه سهم کارگر توسط کارگزار و پیمانکار و تا زمان فروش سهام مدیریتی بر اساس قانون تأمین اجتماعی تحت پوشش بیمه قرار دهد.

متولی (شرکت مخابرات ایران) مکلف به استمرار بیمه و قرارداد مستقیم با کارگران، پیمانکاران و کارگزاران روستایی تا زمان بازنشستگی طبق شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار می‌باشند. رعایت شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار مانع از استمرار پرداخت حق بیمه موضوع این ماده نمی‌شود.»

آقای مدرسی یزدی - این ماده، اشکال اصل (۷۵) ندارد؟

آقای اسماعیلی - این ماده در مورد تأمین اجتماعی است.

آقای رهپیک - نه، ببینید؛ مجلس این ماده را از سال ۱۳۹۱ دارد در بودجه می‌نویسد که مشکل بیمه‌ی کارگزاران مخابرات روستایی حل شود. الآن بحث جدید این مصوبه این است که شرکت مخابرات واگذار شده و در واقع الآن یک شرکت خصوصی است، اما با این حال، اینها می‌گویند که شما با هر کسی که قرارداد داشته‌اید یا قرارداد بسته‌اید، ولو اینکه اگر مثلاً کارگری را اخراج کنید یا اینکه خودش برود استعفاء بدهد طبق مقررات قانون کار باید با او عمل کنید، ولی موظف هستید بیمه‌ی این کارگران را تا زمان بازنشستگی پرداخت کنید. به همین دلیل هم تأمین اجتماعی تا الآن زیر بار این مصوبه نرفته است و تا الآن هم چیزی پرداخت نشده است. این بند می‌گوید: «... شرکت متولی (شرکت مخابرات ایران) مکلف به استمرار بیمه و قرارداد مستقیم با کارگران، پیمانکاران و کارگزاران روستایی تا زمان بازنشستگی طبق شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار می‌باشند. رعایت شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار (یعنی بحث اخراج و بیرون رفتن، فسخ قرارداد و اینها) مانع از استمرار پرداخت حق بیمه موضوع این ماده نمی‌شود.»

آقای ابراهیمیان - حق بیمه‌ی سهم کارگر را همان کارگزاران پردازند.

آقای رهپیک - بله دیگر؛ می‌گوید الآن این شرکت مخابرات که واگذار هم شده است، [به صورت مستمر باید حق بیمه‌ی کارگران را پردازد].

آقای سلیمی - این موضوع جزء ضوابط مربوط به واگذاری بود یا نبود؟

→

حق بیمه سهم کارفرما برای این مدت و برابر مدت کارکرد آنان بر عهده دولت است و مبلغ آن در کارگروهی متشکل از وزیران ارتباطات و فناوری اطلاعات و تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان حسابرسی تعیین و به عنوان مطالبات صندوق تأمین اجتماعی از دولت منظور می‌شود و از محل پرداخت اقساط فروش سهام شرکت مخابرات ایران به بخش خصوصی پرداخت و تسویه می‌گردد.»

آقای رهپیک - چی؟

آقای سلیمی - همین کارها.

آقای رهپیک - نه، این حکمی که در این بند و در قوانین بودجه‌ی سال‌های قبل آورده‌اند، خلاف قاعده است. چون هر کسی که از شرکتی بیرون می‌رود که دیگر شرکت، حق بیمه‌ی او را پرداخت نمی‌کند، اما در اینجا می‌گویند شما با هر کسی که قبلاً قرارداد بسته‌اید، اولاً ملزم هستی که مجدداً با او قرارداد ببندی. یعنی الآن نسبت به این ماده، دو تا حرف می‌زنند: یکی اینکه می‌گویند خب آن موقع که آن قانون [= قانون مربوط به کارگزاران مخابرات روستایی] را نوشته‌اند، این کارگزاری‌های روستایی لازم بود و ما باید در روستاها از این دفاتر می‌زدیم و کارگر می‌گرفتیم، اما الآن که همه‌ی روستاها اینترنت، تلفن و امثال این را دارند، ما اصلاً نمی‌خواهیم این افراد را استخدام کنیم. دوم اینکه می‌گویند این مصوبه شرکت‌های واگذار شده را مکلف به استمرار پرداخت حق بیمه و قرارداد مستقیم با کارگران کرده است [که این هم اشکال دارد].

آقای مؤمن - بله، ما هم همین را می‌گوییم دیگر.

آقای رهپیک - یک اشکال این است که می‌گویند ما اصلاً در بعضی جاها به این کارگران نیاز نداریم و نمی‌خواهیم با آنها قرارداد ببندیم.

آقای اسماعیلی - عیبی ندارد.

آقای سلیمی - نه، ما به بحث استخدام و بستن قرارداد کاری نداریم.

آقای رهپیک - اشکال دوم که مهم‌تر است، این است که می‌گویند حالا اگر فرضاً یک کسی یک دوره‌ای آمد و پیش ما کار کرد، یعنی قبلاً [طبق قانون کار قرارداد داشته است] و الآن قراردادش طبق قانون کار فسخ می‌شود، یا اصلاً اخراج می‌شود، اینکه اینجا می‌گویند شرکت مخابرات باید حق بیمه‌ی او را تا زمان بازنشستگی پرداخت بکند، اشکال دارد؛ چون الآن شرکت مخابرات، یک شرکت خصوصی شده است.

آقای اسماعیلی - این را هم می‌گفتند، منتها نمی‌دانم چطوری و از کجای این ماده این را در آورده‌اند که کسی که قطع رابطه‌ی کاری بکند، [همچنان باید حق بیمه‌اش پرداخت شود؟]

آقای رهپیک - عبارت «رعایت شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار...» یعنی چه؟ یعنی نوع قرارداد، فسخ قرارداد، لغو قرارداد و... در ادامه هم گفته: «مانع از استمرار

پرداخت حق بیمه موضوع این ماده نمی‌شود». این یعنی همین حرف که حتی در صورت قطع رابطه هم باید حق بیمه‌اش پرداخت شود دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - قرارداد را نمی‌تواند فسخ بکند؛ یعنی قانون کار را نمی‌تواند دور بزند.

آقای رهپیک - نه.

آقای ابراهیمیان - نه برعکس حاج‌آقا؛ می‌گوید قانون کار را اگر بخواهد رعایت بکند، رعایت آن گاهی اوقات به از بین رفتن رابطه‌ی قراردادی منجر می‌شود.

آقای رهپیک - بله، رعایت قانون کار، موجب از بین رفتن قرارداد است.

آقای اسماعیلی - اینها همین را می‌گویند.

آقای رهپیک - اصلاً تمام بحث این است که می‌خواستند شرکت مخابرات را الزام کنند که کارگران مخابرات روستایی را به صورت دائم بیمه کند.

آقای اسماعیلی - ولو اینکه دیگر کارگر آنجا نباشد!؟

آقای رهپیک - بله، ولو اینکه کارگر آنجا نباشد.

آقای اسماعیلی - آخر این حرف، مأخوذ است!؟

آقای رهپیک - تمام دعوا بر سر همین است. الآن بحثشان این است که می‌گویند بیمه‌ی کارگران مخابرات روستایی که از سال ۱۳۹۱ اجرا نشده است، باید اجرا شود.

آقای مدرسی یزدی - این ماده مغایر اصل (۷۵) است.

آقای رهپیک - نه، مغایر اصل (۷۵) نیست؛ چون شرکت مخابرات، الآن یک شرکت خصوصی است. در این ماده شما به یک شرکت خصوصی می‌گویید که ملزم هستید کارگر بگیرید.

آقای مدرسی یزدی - صندوق تأمین اجتماعی که باید بازنشستگی اینها را بدهد [که دولتی است].

آقای رهپیک - نه، آنکه کارفرما و کارگر، هر کدام حق بیمه‌ی خودشان را به صندوق می‌دهند.

آقای مدرسی یزدی - حکم این ماده، پول اضافه کرده و به بودجه‌ی عمومی اضافه شده است.

آقای رهپیک - نه ببینید؛ گفته است که کارفرما و کارگر حق بیمه‌ی خودشان را به صندوق تأمین اجتماعی بدهند، صندوق هم موظف است آنها را بیمه کند. حالا

کارفرما هر کسی که می‌خواهد باشد. الان اینجا کارفرما شرکت خصوصی است. الان اشکالی که به این ماده وارد می‌کنند، اشکال مغایرت با اصل (۷۵) نیست.

آقای مدرسی یزدی - این ماده گفته است که سهم حق بیمه‌ی اینها را دولت بدهد.

آقای اسماعیلی - نه، صندوق تأمین اجتماعی که چیزی نمی‌دهد.

آقای سوادکوهی - چرا دیگر.

آقای رهپیک - نه، حرف ایشان [= آیت‌الله مدرسی] در مورد سه درصد (۳٪) حق بیمه‌ی مربوط به سهم دولت است.^(۱)

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای رهپیک - ایشان می‌گویند اگر کارگر زیاد شد، سه درصد (۳٪) سهم دولت هم اضافه می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - یا اینکه بگوییم قانوناً نباید دولت را اجبار کنند، اما الان در این ماده دارند دولت را اجبار می‌کنند که یک سری افراد را بیمه کند. دوباره همان اشکال اصل (۷۵) است. از طرف دیگر، بحث بیمه را هم به بخش خصوصی تحمیل کرده‌اند، در صورتی که واقعاً هیچ وجهی ندارد.

آقای ابراهیمیان - بله حاج‌آقا، این‌طوری دخالت کردن در مالکیت خصوصی و اختیارات بخش خصوصی توجیهی ندارد.

۱. ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ مجلس شورای ملی: «ماده ۲۸- منابع درآمد سازمان به شرح زیر می‌باشد: ۱- حق بیمه از اول مهرماه تا پایان سال ۱۳۵۴ به میزان بیست و هشت درصد مزد یا حقوق است که هفت درصد آن به عهده بیمه‌شده و هجده درصد به عهده کارفرما و سه درصد به وسیله دولت تأمین خواهد شد.

۲- درآمد حاصل از وجوه و ذخایر و اموال سازمان

۳- وجوه حاصل از خسارات و جریمه‌های نقدی مقرر در این قانون

۴- کمک‌ها و هدایا.

تبصره ۱- از اول سال ۱۳۵۵ حق بیمه سهم کارفرما بیست درصد مزد یا حقوق بیمه‌شده خواهد بود و با احتساب سهم بیمه‌شده و کمک دولت، کل حق بیمه به سی درصد مزد یا حقوق افزایش می‌یابد.

تبصره ۲- دولت مکلف است حق بیمه سهم خود را به طور یک‌جا در بودجه سالانه کل کشور منظور و به سازمان پرداخت کند.

تبصره ۳- سازمان باید حداقل هر سه سال یک بار، امور مالی خود را با اصول محاسبات احتمالی تطبیق و مراتب را به شورای عالی گزارش دهد.»

آقای مدرسی یزدی - بله، آقایان فقها این را خلاف شرع می‌دانند.

آقای سلیمی - این ماده می‌گوید «افرادی که به عنوان کارگر یا تحت هر عنوان دیگر طرف قرارداد مخابرات روستایی بوده و می‌باشند»، پس بنابراین حکم این ماده از این به بعد را شامل نمی‌شود و برای گذشته‌ها می‌باشد. الآن یک شرکت خصوصی آمده و شرکت مخابرات را خریده است. وقتی که این شرکت را خریدند، یک سری افراد در آنجا کار می‌کردند و یا هنوز هم مشغول به کار هستند، یا این افراد را به زور برکنار کرده‌اند یا اینکه هنوز در محل کار خود دارند کار می‌کنند. اینجا در این ماده می‌گوید «پس از واریز حق بیمه سهم کارگر توسط کارگزار و پیمانکار و تا زمان فروش سهام مدیریتی»، یعنی الآن شما نمی‌توانید این افراد را ردشان کنید برونند، بلکه باید طبق قانون کار، مسائل و مشکلات این افراد را حل و فصل کنید. این ماده، این را دارد می‌گوید. چون ما آمده‌ایم و یک شرکت دولتی را خریده‌ایم. این شرکت دولتی در روستاها یک سری کارگر داشته که برای آن به عنوان تلفنچی و غیره کار می‌کرده‌اند. حالا هم یک عده از آنها هنوز دارند کار می‌کنند. خب الآن شرکت مخابرات می‌خواهد حقوق این افراد را ندهد و آنها را رد کند تا برونند. این ماده می‌گوید شرکت متولی باید طبق قانون کار این افراد را بیمه کند و حق بیمه‌ی آنها را هم تا آخر پردازد. چون وقتی شما این شرکت مخابرات را خریدید، این افرادی که آنجا کار می‌کردند هم جزء آن شرکت بودند. در واقع شما مخابرات را با افرادی که آنجا کار می‌کردند، خریده‌اید. این افراد در مخابرات طبق قانون کار اداره می‌شدند که شما الآن هم مکلف هستید همه‌ی شرایط و ضوابط این قانون را برای آنها اعمال کنید.

آقای ابراهیمیان - یعنی شما می‌فرمایید حق بیمه‌ی این افراد برقرار شود، حتی اگر رابطه‌ی قراردادی آنها پایان پیدا کند؟!

آقای سلیمی - چطور پایان پیدا کند؟!

آقای ابراهیمیان - طبق قانون، کسی که مخابرات را خریده است حق دارد [رابطه‌ی استخدامی همه یا برخی از کارگزارانش را با شرکت قطع کند].

آقای رهپیک - مفاد قانون کار همین است دیگر؛ طبق قانون کار، کارفرما حق فسخ قرارداد دارد، حق اخراج دارد، حق لغو قرارداد دارد ...

آقای ابراهیمیان - مثلاً شرکت می‌گوید من لازم می‌دانم که تو را اخراج کنم، چون این

کارگاه بیش از این کارگر احتیاج ندارد.

آقای جنتی - این قدر هم آزاد نیستند که همین طوری کارگران را رها کنند.

آقای مدرسی یزدی - حاج آقا، وقتی که یک شرکت خصوصی شرکت مخابرات را خریده است، موظف است افرادی که با شرکت رابطه‌ی قراردادی داشته‌اند را نگه دارد.

آقای رهپیک - نه، طبق قانون کار باید با آنها برخورد شود.

آقای سلیمی - به این راحتی هم نیست.

آقای مدرسی یزدی - راحت نیست، ولی ...

آقای سلیمی - بنده دهها کارگری را که زمان آقای ری شهری و زمان آقای محسنی آمده بودند و در اینجا کار کرده بودند و رفته بودند و الآن دیگر نبودند، می‌شناسم که می‌رفتند حکم محکومیت اداره را می‌گرفتند که باید برای مدت کارشان در اینجا، ده میلیون، پانزده میلیون تومان به آنها بپردازیم.

آقای رهپیک - درست است.

آقای سلیمی - این طوری نیست که به کسی که قبلاً آنجا کار می‌کرده است، بگویند برو دنبال کار خودت.

آقای رهپیک - نه، همین طوری نیست که بگویند برو دنبال کار خودت، اما طبق قانون کار و طبق آن مدارکی که در قرارداد هست، با این افراد رفتار می‌شود. مدت قرارداد کار، ملاک است [و طبق آن عمل می‌شود]. چون قانون کار، بر اساس قرارداد طرفین است دیگر. زمانی که مدت قرارداد تمام شود رابطه‌ی قراردادی خاتمه می‌یابد. هیچ کارفرمایی تا زمان بازنشستگی با کارگر قرارداد نمی‌بندد. [دو مسئله در خصوص این ماده مطرح است:] اول اینکه در صورتی که مدت قرارداد تمام شده باشد، شرکت بعد از آن هم موظف است که بیمه بدهد؟ دوم اینکه مواردی که افرادی را اخراج کرده‌اند، خسارت هم باید بدهند. خب، شرکت افرادی را اخراج کرده است که باید خسارت آنها را بدهد. اما در برخی موارد اصلاً خود کارگر، قرارداد را فسخ یا لغو می‌کند که در اینجا این ماده دارد می‌گوید که شرکت متولی مکلف به استمرار بیمه و قرارداد تا زمان بازنشستگی است! بعد برای اینکه شبهه‌ای پیش نیاید، این طوری می‌گوید «رعایت شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار (یعنی همه این ضوابط مربوط به مدت و فسخ و...) مانع از استمرار پرداخت حق بیمه موضوع این ماده نمی‌شود.» این حکم، اشکال دارد.

- آقای سلیمی -** «مانع از استمرار پرداخت حق بیمه»، یعنی مانع از حق بیمه‌ی چه کسی؟
- آقای اسماعیلی -** می‌خواهید در این زمینه از مجلس، یک سؤالی بکنیم؟
- آقای رهپیک -** نه، الآن دیگر سؤال نکنیم. یک ابهام به این ماده بگیریم.
- آقای هاشمی شاهرودی -** بله، این ماده ابهام دارد.
- آقای سلیمی -** فقط برای یک خط آخر این ماده باید ابهام بگیریم، بقیه‌ی آن که مشکلی ندارد.
- آقای رهپیک -** بگویم اگر معنای این ماده این است که در صورتی که به هر دلیلی قرارداد کارگر تمام شده است، ولی باز هم شرکت مکلف به استمرار پرداخت حق بیمه است، اشکال دارد.
- آقای سلیمی -** خب دیگر چه می‌ماند.
- آقای اسماعیلی -** از این جهت که معلوم نیست منظور از حکم این ماده این است که آیا پس از اتمام قرارداد را هم شامل می‌شود یا نه، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، راجع به آن اظهار نظر می‌کنیم.
- منشی جلسه -** حاج‌آقا، ابهام را رأی بگیریم؟
- آقای رهپیک -** بله.
- آقای مدرسی یزدی -** ایراد نسبت به اصل (۷۵) را هم رأی بگیریم.
- آقای رهپیک -** حالا بگذارید ابهام را رأی بگیریم. حاج‌آقا [جنتی] هم رأی دارند؟
- آقای جنتی -** بند (۶۴) قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ که در این ماده‌ی الحاقی (۵۹) گفته است وزارتخانه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و امور اقتصادی و دارایی ملزم هستند مشکل آن را حل کنند، در مورد چیست؟
- آقای رهپیک -** در مورد همین حل مشکل بیمه‌ی کارگزاران مخابرات روستایی است.
- آقای مدرسی یزدی -** بله، همین بوده است.
- آقای رهپیک -** بله، بند (۶۴) همین سه تا وزارتخانه را مکلف کرده بود که مشکل حق بیمه‌ی کارگزاران مخابرات روستایی را حل کنند. این ماده‌ی الحاقی هم دوباره همین موضوع را تکرار کرده است.
- آقای سوادکوهی -** آنچه من از این ماده می‌فهمم این است که این ماده سه قسمت دارد. هر قسمت هم یک حکم دارد. الآن آنچه شما می‌خواهید ایراد بگیرید قسمت

سوم است یا به کل ماده‌ی الحاقی (۵۸) ایراد دارید؟

آقای رهپیک - نه، ایراد به انتهای این ماده است.

آقای سوادکوهی - چون قسمت اول ماده‌ی الحاقی (۵۸) صندوق اجتماعی را موظف کرده است که اینها را بیمه کند. قسمت دوم آن سه وزارتخانه را در ارتباط با رفع موانع اجرایی بند (۶۴) قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ مکلف کرده است، اما قسمت سوم مربوط به یک امر دیگر است. الآن نسبت به مسئله‌ی مربوط به شرکت متولی یعنی شرکت مخابرات می‌خواهید ایراد یا ابهام بگیرید؟

آقای رهپیک - بله.

آقای سوادکوهی - ابهام که اشکالی ندارد. به این قسمت سوم ماده‌ی الحاقی (۵۸) ایراد بگیریم.

آقای ابراهیمیان - معذرت می‌خواهم؛ اشکالی که ما در مورد قسمت آخر گفتیم، شاید قسمت اول این ماده هم همین ایراد را داشته باشد؛ گفته است «طرف قرارداد شرکت مخابرات روستایی بوده و می‌باشند»، یعنی در قسمت اول، ظاهراً نسبت به کارگرانی که قبلاً در شرکت مخابرات بوده‌اند و الآن قراردادهای تمام شده و دیگر آنجا نیستند هم نظر دارد. اگر این‌طور باشد، همین اشکال و ابهامی که به پایین این ماده گرفتیم، به صدر ماده هم وارد است.

آقای رهپیک - حالا اصل ابهام را که بگیریم، صدر ماده را هم درست می‌کنند.^(۱) ماده‌ی الحاقی (۵۹) را بخوانید.

منشی جلسه - «ماده الحاقی ۵۹- ناخالص حقوق و مزایای دریافتی مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره شرکت‌های دولتی و غیردولتی که به نحوی از انحاء وابسته به نهادهای عمومی غیر دولتی می‌باشند باید حداکثر از ده برابر حداقل حقوق مصوب سالانه شورای عالی کار بیشتر نباشد. ضمناً پاداش پایان سال اعضای هیئت مدیره شرکت‌های فوق صرفاً به اشخاص حقوقی آنان قابل پرداخت بوده و

۱. بند (۳۶) نظر شماره ۹۳/۱۰۰/۳۲۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ شورای نگهبان: «۳۶- ماده الحاقی (۵۸)، از این جهت که مشخص نیست آیا پس از اتمام قرارداد به هر دلیل الزام به پرداخت حق بیمه وجود دارد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

مدیران عامل و اعضای موظف هیئت مدیره به غیر از حقوق و مزایای تعیین شده فوق و اعضای غیر موظف به جز حق جلسه ماهانه که حداکثر از دو برابر حداقل حقوق مصوب شورای عالی کار برای هر ماه بیشتر نیست، هیچ گونه مبلغی تحت هیچ عنوانی دریافت نمی کنند.»

آقای سوادکوهی - بودجه‌ی حقوق و مزایای اعضای هیئت مدیره در این ماده پیش‌بینی شد؟ گفته‌اند حداکثر ده برابر حقوق مصوب سالانه‌ی شورای عالی کار، برایش بودجه پیش‌بینی شود؟!

آقای رهپیک - [حکم این ماده برای کنترل حقوق و مزایای مدیران] شرکت‌های دولتی است.

آقای سلیمی - این ماده دارد حقوق و مزایای آنها را کم می کند.

آقای رهپیک - مجلس با این مصوبه، می‌خواسته که برای اینها ضابطه بگذارد؛ چون قبلاً حقوق و مزایا در اختیار هیئت مدیره بود، الآن می‌خواهد که ده برابر نشود.

آقای سوادکوهی - یعنی خود این مشکلی ایجاد نمی کند؟

آقای رهپیک - نه، این برای شرکت‌های دولتی است.

آقای مدرسی یزدی - می‌گویند بیشتر از این ندهند.

آقای سوادکوهی - ده برابر حداقل حقوق مصوب سالانه‌ی شورای عالی کار، خودش خیلی است. الآن حداقل حقوق اینها چقدر است؟ شما حساب کنید اگر حداقل حقوق یک عضو هیئت مدیره پنج میلیون باشد، حقوق و مزایایی که باید به آنها بدهند پنجاه میلیون می‌شود! این، مجاز است؟!

آقای هاشمی شاهرودی - نه.

آقای رهپیک - اولاً شرکت‌های دولتی مقررات خاص دارند. ثانیاً الآن حداقل حقوق مصوب شورای عالی کار، حدود هفتصد (۷۰۰,۰۰۰) یا هشتصد هزار (۸۰۰,۰۰۰) تومان است. منتها الآن مزایایی که به اینها پرداخت می‌کنند اصلاً به حداقل حقوق کاری ندارد، خود شرکت‌ها پرداخت می‌کنند [که با این مصوبه، خواسته‌اند آن را بدین نحو محدود کنند].

منشی جلسه - «ماده الحاقی ۶۰- متن زیر به عنوان تبصره ذیل بند (ح) ماده (۱۳۹)

قانون مالیات‌های مستقیم الحاق می‌شود:

تبصره- مفاصاحساب‌هایی که توسط شعب تحقیق موضوع ماده (۱۴) قانون

تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲^(۱) صادر شده یا می‌شود اگر در مهلت مقرر مربوط به تسلیم اظهارنامه به سازمان امور مالیاتی کشور ارائه شود، برای برخورداری از هرگونه معافیت مالیاتی مقرر در این قانون یا سایر قوانین، به منزله اظهارنامه مالیاتی مؤدی تلقی می‌شود. همچنین در مورد سال‌های قبل از ابلاغ این قانون، در صورتی که مفصاحساب مربوط تا پایان سال ۱۳۹۴ به سازمان امور مالیاتی ارائه شود، به منزله اظهارنامه مالیاتی خواهد بود.»

آقای سوادکوهی - این اظهارنامه‌ها مربوط به یک سال بوده است؟

آقای رهپیک - نه، این ماده می‌گوید مفصاحسابی که می‌دهید از جهت دلیل بودن، در حکم اظهارنامه است. این ماده ربطی به کار بودجه‌ای ندارد. می‌گوید مفصاحسابی که آن شعبه‌ی موضوع قانون اوقاف می‌دهد، مثل اظهارنامه می‌ماند.

آقای سوادکوهی - گفته است: «تا پایان سال ۱۳۹۴».

آقای رهپیک - ما لابه‌لای مواد قبلی، (۷)، (۸) مورد موادی داشتیم که از صحن علنی به کمیسیون ارجاع شده بود. الآن آنها را هم فرستاده‌اند. زیاد نیست؛ لابه‌لای مواد قبلی است.

منشی جلسه - یک مورد از آنها در صفحه (۲) مصوبه‌ای است که خدمت آقایان است؛ گفته است: «۴- تبصره بند (ب) ماده (۱) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره- وزارت نفت مکلف است قیمت خوراک گاز و خوراک مایع تحویلی به واحدهای صنعتی، پالایشی و پتروشیمی‌ها را با رعایت معیارهای زیر تعیین کند:

۱- متناسب با معدل وزنی درآمد حاصل از فروش گاز و یا مایع تحویلی برای سایر مصارف داخلی، صادراتی و وارداتی، قیمت محصول با حفظ قابلیت رقابت‌پذیری

۱. ماده (۱۴) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ مجلس شورای اسلامی: « ماده ۱۴- تحقیق در جمع و خرج عواید راجع به وقف و نیز صدور مفصاحساب و تطبیق مصارف با مفاد وقف‌نامه و تشخیص متولی و ناظر و موقوف‌علیهم (با رعایت ماده ۷ این قانون و تبصره‌های آن) با شعب تحقیق اوقاف است مگر در موقوفات منصوص‌التولیه در صورتی که مظنه تعدی و تغریط متولی نباشد.»

محصولات تولیدی در بازارهای بین‌المللی و بهبود متغیرهای کلان اقتصادی

۲- ایجاد انگیزش و امکان جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی

۳- اعمال تخفیف پلکانی تا سی درصد (۳۰٪) با انعقاد قرارداد بلندمدت برای واحدهایی که بتوانند جهت تأمین مواد اولیه واحدهای پتروشیمی داخلی که محصولات میانی و نهایی تولید می‌کنند و زنجیره ارزش افزوده را افزایش دهند. در این قرارداد بنگاه‌هایی که در مناطق کمتر توسعه‌یافته راه‌اندازی می‌شوند، از تخفیف بیشتری برخوردار می‌گردند.

در صورت قطع یا کاهش خوراک گاز و خوراک مایع واحدهای مشمول این تبصره خارج از قرارداد و با اراده دولت، وزارت نفت مکلف است برابر ماده (۲۵) قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۶^(۱) خسارت وارده را از محل خوراک تحویلی در مراحل بعدی جبران کند.

۱. ماده (۲۵) قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۵- در زمان کمبود برق، گاز یا خدمات مخابرات، واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی نباید در اولویت قطع برق یا گاز یا خدمات مخابرات قرار داشته باشند و شرکت‌های عرضه‌کننده برق، گاز و خدمات مخابرات موظفند هنگام عقد قرارداد با واحدهای تولیدی اعم از صنعتی، کشاورزی و خدماتی، وجه التزام قطع برق یا گاز یا خدمات مخابرات را در متن قرارداد پیش‌بینی کنند. هرگاه دولت به دلیل کمبودهای مقطعی به شرکت‌های عرضه‌کننده برق یا گاز یا مخابرات دستور دهد موقتاً جریان برق یا گاز یا خدمات مخابراتی واحدهای تولیدی متعلق به شرکت‌های خصوصی و تعاونی را قطع کنند، موظف است نحوه جبران خسارت‌های وارده به این شرکت‌ها ناشی از تصمیم فوق‌را نیز تعیین و اعلام کند. آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، جهادکشاورزی، نفت، نیرو و ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می‌شود و ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره ۱- در زمان‌های اضطراری که قطع برق یا گاز واحدهای مسکونی، جان شهروندان را به خطر اندازد، شورای تأمین استان محل ایجاد اضطرار می‌تواند برای حداکثر دو روز که قابل تمدید است، حکم این ماده را نقض کند و دستور دهد بدون تعیین نحوه جبران خسارت‌های وارده، برق یا گاز واحدهای تولیدی قطع شود. در جلسه تصمیم‌گیری در این باره، باید نمایندگان اتاق‌های مرکز استان برای استماع نظراتشان دعوت شوند.

تبصره ۲- شرکت‌های عرضه‌کننده برق و گاز موظفند ضمن هماهنگی با شرکت‌های بیمه، امکان خرید بیمه‌نامه پوشش‌دهنده خسارات ناشی از قطع برق یا گاز را برای واحدهای تولیدی مشترک خود فراهم آورند.»

در خرید محصولات پتروشیمی توسط یا به دستور دولت، قیمت بورس مبنای عمل است و یارانه مورد نظر دولت برای مصرف‌کنندگان داخلی در اختیار دستگاه ذی‌ربط قرار می‌گیرد.

آیین‌نامه این تبصره مشتمل بر تخفیفات پلکانی و نحوه جبران خسارت، دامنه صنایع مشمول و چهارچوب قراردادهای بلندمدت و سایر ضوابط مربوطه توسط وزارتخانه‌های نفت، صنعت، معدن و تجارت و امور اقتصادی و دارایی حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ این قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای رهپیک - از نظر من، این بند ایرادی ندارد.

آقای سلیمی - این بند، مربوط به درآمدهای دولت است.

آقای مدرسی یزدی - خوب باشد.

آقای سلیمی - درآمد دولت را کم نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - چرا دیگر؛ وقتی می‌گوییم «تخفیف پلکانی»، یعنی درآمد دولت را کاهش داده‌ایم.

آقای سلیمی - اما درآمد بالفعل را کم نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - چرا.

آقای رهپیک - سال قبل در قانون بودجه ضوابطی را برای نحوه‌ی قیمت‌گذاری خوراک پالایشگاه‌ها گذاشته بودند،^(۱) الان آن ضابطه را برداشته‌اند و به وزارت نفت

۱. بند (۳-۱) قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی: «۱-۳-... قیمت نفت صادراتی از مبادی اولیه، قیمت معاملاتی یک بشکه نفت صادراتی از مبادی اولیه در هر محموله و قیمت نفت عرضه‌شده در بورس، متوسط قیمت نفت صادراتی در یک ماه شمسی از مبادی اولیه و همچنین برای نفت تحویلی به پالایشگاه‌های داخلی و مجتمع‌های پتروشیمی اعم از دولتی و خصوصی، نود و پنج درصد (۹۵٪) متوسط بهای محموله‌های صادراتی نفت مشابه در هر ماه شمسی است. پالایشگاه‌هایی که خوراک نفت خام و میعانات گازی را به نسبت سهم صادرات فرآورده‌های خود به قیمت مذکور در قانون هدفمندکردن یارانه‌ها (۹۵٪ قیمت فوب خلیج فارس) خریداری و بهای آن را به صورت ارز و از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به حساب‌های مورد تأیید خزانه داری کل کشور واریز می‌کنند، مشمول مفاد جزء (۱) بند (ح) ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشند. وزارت نفت مکلف است از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط در مقاطع سه‌ماهه عملکرد مالی این جزء را پس از تأیید سازمان حسابرسی و تصویب

می‌گویند شما قیمت‌گذاری کنید. قیمت‌گذاری در اختیار وزارت نفت است، البته با این ضوابطی که در این ماده تعیین کرده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - بله، این بند ملاک‌های قیمت‌گذاری را تعیین کرده است. مثلاً گفته قیمت بورس مبنای عمل است، بعد می‌گوید یک بخش‌هایی که افزایش ارزش افزوده دارند را تخفیف پلکانی بدهید.

آقای رهپیک - این چیز خوبی است؛ چون ضابطه‌ی قیمت‌گذاری را تعیین کرده است. **آقای مدرسی یزدی -** خب درآمد دولت را کم می‌کند.

آقای رهپیک - نه، اصلاً درآمد بر اساس همین بند تعیین می‌شود؛ یعنی ما قبل از این درآمدی نداشته‌ایم. الآن با این مصوبه، ضابطه را در اختیار دولت می‌گذاریم تا بر اساس آن، درآمد حاصل از این محل را به خزانه واریزی کند. حکم این بند خوب است. اتفاقاً قبلاً بی‌ضابطه بوده است.

آقای مدرسی یزدی - معلوم است که از این محل درآمد داریم؛ چون به هر حال این نفت باید مصرف شود، منتهای مراتب مجلس مثلاً به خاطر اینکه مناطق توسعه‌نیافته و یا کمتر توسعه‌یافته تشویق بشوند، خواسته‌اند در آن مناطق تخفیف بیشتری بدهند.

آقای رهپیک - عیبی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - خب این تخفیف، درآمد دولت را کم می‌کند دیگر.

آقای رهپیک - تا دولتی‌ها این ضوابط را در قیمت‌گذاری اعمال نکرده‌اند که قیمت معلوم نمی‌شود. یا خود مجلس باید مثل بودجه‌ی پارسال نحوه‌ی قیمت‌گذاری را بنویسد [یا اینکه طبق ضابطه‌ی که وضع می‌کند، قیمت‌گذاری را به دولت می‌دهد].

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ قیمت مشخص است؛ قیمت در بورس معلوم است.

آقای رهپیک - می‌گوید بورس، مبنای قیمت پایه است. بورس، مبنای قیمت پایه است، بعد یک سری ضوابط انگیزشی ایجاد می‌کند، مثل اینکه اولویت با این شرکت‌ها و پالایشگاه‌هاست، تا سی درصد (۳۰٪) هم می‌توانید تخفیف بدهید. اینها ضوابط تعیین

→

کارگروهی مرکب از معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و وزیران امور اقتصادی و دارایی و نفت تسویه نماید. تسویه‌نهایی فیزیکی و مالی باید بر اساس گزارش حسابرسی تا پایان تیرماه سال بعد انجام شود.»

قیمت است. این موارد که اعمال شد، معلوم می‌شود که قیمت چند است، بعد بر اساس آن محصولات را می‌فروشند.

آقای سلیمی - آن وقتی می‌توانید بگویید درآمد دولت کم شده است که قبل از اعمال این بند، در قانون مشخص شده باشد که درآمد دولت از این محل، باید فلان قدر باشد. **آقای مدرسی یزدی -** یا اینکه بالاخره طوری بشود که درآمد متوقع از این محل کم بشود.

آقای رهپیک - آقایانی که به این بند، ایراد دارند بفرمایند. جناب عالی ایراد دارید؟

آقای مدرسی یزدی - من به عنوان شبهه مطرح می‌کنم، نه اینکه ایراد داشته باشم.

آقای رهپیک - پس ظاهراً آقایان اعضا به این بند ایرادی ندارند.

منشی جلسه - بعدی، صفحه (۷) است.

آقای رهپیک - «بند الحاقی (۱) به ماده (۱) - دولت مکلف است سالانه معادل ریالی حداقل یک میلیارد دلار از محل فروش میعانات گازی به شرکت‌های پتروشیمی و پالایشگاه‌های داخلی در قالب بودجه عمومی را به نرخ روز محاسبه و برای توسعه حمل و نقل کشور به وزارت راه و شهرسازی اختصاص دهد.

این منابع در قالب ردیف‌های مستقل و مشخص در قوانین بودجه سنواتی درج و وجوه دریافتی به صورت ماهانه به این وزارتخانه پرداخت می‌شود. وزارت راه و شهرسازی مکلف است وجوه دریافتی را جهت توسعه و نگهداری راه‌ها، توسعه بنادر و راه‌های روستایی و توسعه حمل و نقل ریلی کشور هزینه کند. اعتبار موضوع این ماده در ردیف‌های مستقلی برای کمک به ردیف‌های بودجه سالانه پیوست قانون جهت اهداف مذکور منظور می‌شود.»

این بند دیگر واقعاً خلاف اصل (۵۲) است؛ گفته هر سال یک میلیارد دلار بردارند و به وزارت راه و شهرسازی بدهند که حدود سه، چهار هزار میلیارد تومان می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - این بند، محل مصرف این بودجه را تعیین کرده است. حالا اصلاً ایراد بودجه‌ای آن را در نظر نگیرید، اما اگر قرار باشد این مقدار پول را در اینجا خرج کنند، برای بقیه چه می‌ماند؟

آقای رهپیک - اشکال اصل (۵۲) دارد. آقای ابراهیمیان هم گفت من به اشکال اصل (۵۲) در این بند رأی می‌دهم.

منشی جلسه - (۴) تا رأی دارد.

- آقای مدرسی یزدی -** نه، آقایان باید این حکم را در قالب لایحه‌ی بودجه بیاورند.
- آقای اسماعیلی -** گفته است: «در قالب ... بودجه سنواتی».
- آقای مدرسی یزدی -** امسال که این قدر کمبود پول وجود داشت، اصلاً عقلایی نیست که یک میلیارد دلار خرج راه کنند. آن وقت تا بیایند حکم این بند را عوض کنند، دولت تمام می‌شود.
- آقای اسماعیلی -** حاج آقا، نمی‌گویند که ما این کار را می‌کنیم؛ می‌گویند دولت این حکم را در لوایح بودجه‌ی سنواتی بیاورد.
- آقای رهپیک -** گفته است: «پرداخت می‌شود».
- آقای اسماعیلی -** بله، پرداخت می‌شود ولی در قالب بودجه‌ی سنواتی.
- آقای رهپیک -** می‌دانم.
- آقای اسماعیلی -** برداشت ما این است که این بند می‌گویند دولت این رقم را در لوایح بودجه‌ای که به مجلس می‌دهد، پیش‌بینی کند.
- آقای مدرسی یزدی -** یعنی گفته است دولت باید این رقم را در لایحه‌ی بودجه بیاورد.
- آقای اسماعیلی -** بله، حالا دولت لایحه‌اش را به مجلس می‌آورد، بعد مجلس می‌بیند که مثلاً امسال به چنین بودجه‌ای نیاز نیست، آن را کم می‌کند.
- آقای رهپیک -** نه، مجلس چیزی از آن کم نمی‌کند؛ قانون مجلس است.
- آقای اسماعیلی -** خود مجلس می‌گویند این قدر بگذار؛ یعنی این قدر برای موضوع این بند در لایحه بگذار، ولی مجلس بررسی می‌کند، اگر دید ضرورت ندارد، آن را تصویب نمی‌کند. خیلی روشن است.
- آقای مدرسی یزدی -** الآن این بند دست دولت را در دادن لایحه‌ی بودجه بسته است.
- آقای رهپیک -** بله، چون گفته است دولت باید این رقم را در لایحه‌ی بودجه بنویسد دیگر.
- آقای مدرسی یزدی -** بله، گفته است باید بنویسد، ولی معقول نیست که دولت این را بنویسد.
- آقای اسماعیلی -** بله، معنایش این است که دولت باید این موضوع را در بودجه بنویسد، اما این به معنی این نیست که مقدارش مشخص است.
- آقای مدرسی یزدی -** یعنی می‌فرمایید دولت باید یک چیز نامعقول در لایحه‌ی بودجه بنویسد!
- آقای رهپیک -** دارد می‌گوید: «اختصاص بدهد».
- آقای اسماعیلی -** «در قالب ردیف‌های بودجه».

آقای رهپیک - باشد، می‌گوید برای این کار ردیف‌های مستقل تعیین کن. واقعاً گفته است که باید هر سال یک میلیارد دلار پول به راه و شهرسازی اختصاص بدهید!

آقای مدرسی یزدی - نه. حالا آقای علیزاده هم که غائبند و آلاً یک تلفن خرجش است که از مجلس بپرسم منظورشان از این بند چیست.

آقای سوادکوهی - آقای ابراهیمیان گفت در همه‌ی این موارد، رأی من را قبول کنید.

آقای اسماعیلی - این روش خوبی نیست.

منشی جلسه - (۳) نفر از حاضران به ایراد این بند رأی دادند.

آقای رهپیک - حاج آقا رأی ندادند. آقای دکتر ابراهیمیان هم که هست.

آقای هاشمی شاهرودی - موضوع این است که الآن این بند دارد می‌گوید بودجه‌ای که دولت می‌نویسد، یک میلیارد دلار به صورت فیکس و روشن، حتماً به وزارت راه و شهرسازی بدهند.

آقای اسماعیلی - نخیر، این نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا.

آقای اسماعیلی - این بند به دولت می‌گوید این رقم را در لایحه‌ی بودجه پیش‌بینی کن.

آقای هاشمی شاهرودی - خیلی خب؛ یعنی این حکم را در لایحه‌ی بودجه بیاورید.

آقای رهپیک - می‌گوید این مبلغ را در ضمن لایحه‌ی بودجه بیاورید و به وزارت راه و شهرسازی پرداخت کنید.

آقای هاشمی شاهرودی - چنین حرفی معنا ندارد. اگر درصد گفته بود، قبول آن یک وجهی می‌توانست داشته باشد، ولی درآمدها که اصلاً ثابت نیست. اصلاً یک سال ممکن است قیمت نفت بشکته‌ای (۴۰) دلار شود، در آن صورت، باز هم باید یک میلیارد دلارش را به وزارت راه بدهند!؟

آقای رهپیک - اگر حاج‌آقای جنتی رأی به مغایرت این بند بدهند، (۴) رأی می‌شود، ولی اگر رأی ندهند (۳) تا می‌شود.

آقای جنتی - من نمی‌دانم.

آقای رهپیک - خیلی خب، (۳) تا رأی شد.

آقای مدرسی یزدی - این رأی کافی نیست.

آقای رهپیک - آقای ابراهیمیان رأی داد. ایشان گفت من به ایراد اصل (۵۲) رأی می‌دهم.

آقای سوادکوهی - آقای سلیمی هم که [رای ندادند].

آقای شبزنده‌دار - آقای دکتر، پس این ایراد (۴) تا رأی دارد.

آقای رهپیک - خیلی خب، فعلاً (۴) رأی شد.

آقای جنتی - چند تا رأی دارید؟

آقای مدرسی یزدی - (۳) تا.

آقای رهپیک - (۴) تا؛ آقای ابراهیمیان هم رأی داده‌اند.

منشی جلسه - «ماده ۴- شرکت‌های دولتی موضوع مواد (۴) و (۵) قانون مدیریت

خدمات کشوری^(۱) و شرکت‌های دولتی موضوع بند (۳) ماده (۱۸) قانون اجرای

سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی^(۲)، به استثنای بانک‌ها و

۱. مواد (۴) و (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ کمیسیون مشترک رسیدگی به لایحه مدیریت خدمات کشوری مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴- شرکت دولتی: بنگاه اقتصادی است که به موجب قانون برای انجام قسمتی از تصدی‌های دولت به موجب سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری جزء وظایف دولت محسوب می‌گردد، ایجاد و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه و سهام آن متعلق به دولت می‌باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی منفرداً یا مشترکاً ایجاد شده مادام که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سهام آنها منفرداً یا مشترکاً متعلق به واحدهای سازمانی فوق‌الذکر باشد شرکت دولتی است.

تبصره ۱- تشکیل شرکت‌های دولتی تحت هریک از عناوین فوق‌الذکر صرفاً با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز است. همچنین تبدیل شرکت‌هایی که سهام شرکت‌های دولتی در آنها کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) است با افزایش سرمایه به شرکت دولتی ممنوع است.

تبصره ۲- شرکت‌هایی که به حکم قانون یا دادگاه صالح، ملی و یا مصادره شده و شرکت دولتی شناخته شده یا می‌شوند، شرکت دولتی تلقی می‌گردند.

تبصره ۳- احکام «شرکت‌های دولتی» که در این قانون ذکر شده بر کلیه شرکت‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است نیز اعمال خواهد شد.

ماده ۵- دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند.»

۲. بند (۳) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵: «ماده ۱۸- جهت تسهیل امر واگذاری بنگاه‌های مشمول واگذاری، از زمان تصویب فهرست بنگاه‌ها توسط هیئت واگذاری اقدامات زیر انجام می‌شود:

بیمه‌های دولتی و سازمان‌های توسعه‌ای شامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت شهرک‌های کشاورزی، مشمول مقررات مواد (۳۱)، (۳۹) و (۷۶) قانون محاسبات عمومی کشور^(۱) می‌باشند و تمام درآمدهای حاصل از فروش کالا و خدمات آنها

→

...-۱

۳- به هیئت واگذاری اجازه داده می‌شود در اساسنامه و مقررات حاکم بر شرکت‌های قابل واگذاری به بخش غیردولتی (صرفاً در مدت یک سال و قابل تمدید تا دوسال) در قالب قانون تجارت در جهت تسهیل در واگذاری و اداره شرکت‌ها، اصلاحات لازم را انجام دهد. در دوره زمانی مذکور این شرکت‌ها مشمول مقررات حاکم بر شرکت‌های دولتی نیستند.»

۱. مواد (۳۱)، (۳۹) و (۷۶) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۱- ذی‌حساب مأموری است که به موجب حکم وزارت امور اقتصادی و دارایی از بین مستخدمین رسمی واجد صلاحیت به منظور اعمال نظارت و تأمین هماهنگی لازم در اجرای مقررات مالی و محاسباتی در وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و دستگاه‌های اجرایی محلی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی به این سیمت منصوب می‌شود و انجام سایر وظایف مشروحه زیر را به عهده خواهد داشت:

۱- نظارت بر امور مالی و محاسباتی و نگاهداری و تنظیم حساب‌ها بر طبق قانون و ضوابط و مقررات مربوط و صحت و سلامت آنها

۲- نظارت بر حفظ اسناد و دفاتر مالی

۳- نگاهداری و تحویل و تحول وجوه و نقدینه‌ها و سپرده‌ها و اوراق بهادار

۴- نگاهداری حساب و اموال دولتی نظارت بر اموال مذکور.

تبصره ۱- ذی‌حساب زیر نظر رئیس دستگاه اجرایی وظایف خود را انجام می‌دهد.

تبصره ۲- ذی‌حساب مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی موضوع ماده (۵) این قانون در مورد وجوهی که از محل درآمد عمومی دریافت می‌دارند، با حکم وزارت امور اقتصادی و دارایی و با موافقت آن دستگاه منصوب خواهند شد.

ماده ۳۹- وجوهی که از محل درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار منظور در بودجه کل کشور وصول می‌شود و همچنین درآمدهای شرکت‌های دولتی به استثنای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه باید به حساب‌های خزانه که در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران افتتاح می‌گردد تحویل شود. خزانه مکلف است ترتیب لازم را بدهد که شرکت‌های دولتی بتوانند در حدود بودجه مصوب از وجوه خود استفاده نمایند.

تبصره- در مورد شرکت‌های دولتی که قسمتی از سهام آنها به بخش غیردولتی (خصوصی و تعاونی) متعلق باشد در صورتی که اساسنامه آنها با هر یک از مواد این قانون مغایر باشد با موافقت صاحبان

←

به حساب‌های معرفی شده از سوی خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود تا حسب مورد طبق احکام و مقررات قانونی مربوط هزینه شود. عدم رعایت مفاد ماده (۷۶) قانون محاسبات عمومی کشور در مورد حساب‌هایی که خلاف مقررات مذکور گشایش یافته است، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی محسوب می‌شود. ...»

آقای جنتی - این قانون خوبی است.

آقای ره‌پیک - نه حاج‌آقا، این ماده برخی شرکت‌ها و سازمان‌ها را استثنا کرده است. ببینید؛ تا الآن این‌طور بود که بانک‌ها و بیمه‌ها چون پولشان متعلق به مردم است، از واریز درآمدهایشان به خزانه، یعنی موضوع همین مواد (۳۹) و (۷۶) قانون محاسبات عمومی، معاف بودند. الآن در اینجا گفته‌اند شرکت‌های دولتی و... به استثنای بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، و یک سری سازمان‌ها را هم به بانک‌ها و بیمه‌ها اضافه کرده است؛ گفته است سازمان‌های توسعه‌ای شامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت شهرک‌های

→

سهام مذکور قابل اجرا می‌باشد و در غیر این صورت مواد این قانون نسبت به سهام مربوط به بخش دولتی لازم‌الاجراء است.

ماده ۷۶- برای وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی (به استثنای بانک‌ها و شرکت‌های بیمه و مؤسسات اعتباری) و واحدهای تابعه آنها در مرکز و شهرستان‌ها حسب مورد از طرف خزانه و یا نمایندگی خزانه در استان‌ها در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و یا سایر بانک‌های دولتی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نمایندگی داشته باشند، به تعداد مورد نیاز حساب‌های بانکی برای پرداخت‌های مربوط افتتاح خواهد شد. استفاده از حساب‌های مزبور در مورد وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی با امضای مشترک ذی‌حساب و یا مقام مجاز از طرف او و لااقل یک نفر دیگر از مقامات مسئول و مجاز دستگاه مربوط به معرفی خزانه و یا نمایندگی خزانه در استان به عمل خواهد آمد و کلیه پرداخت‌های دستگاه‌های نامبرده منحصراً از طریق حساب‌های بانکی مذکور مجاز خواهد بود. استفاده از حساب‌های بانکی شرکت‌های دولتی با امضای مشترک مقامات مذکور در اساسنامه آنها و ذی‌حساب شرکت یا مقام مجاز از طرف او ممکن خواهد بود.

تبصره- مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی موضوع ماده (۵) این قانون مادامی که از محل درآمد عمومی وجهی دریافت می‌دارند در مورد وجوه مذکور مشمول مقررات این ماده خواهند بود و وجوه اعتباراتی که در قانون بودجه کل کشور برای این قبیل دستگاه‌ها به تصویب می‌رسد، توسط خزانه و یا نمایندگی خزانه در استان منحصراً از طریق حساب‌های بانکی مذکور قابل پرداخت می‌باشد.»

کشاورزی هم از شمول مواد (۳۱)، (۳۹) و (۷۶) قانون محاسبات عمومی کشور که بخشی از آن مربوط به واریز به خزانه است، معاف می‌باشند. یعنی این سازمان‌ها هم از شمول مواد مذکور خارج شده‌اند. این مصوبه، اشکال اصل (۵۳) دارد.

منشی جلسه - این ماده یک تئمه‌ای هم دارد: «بانک‌های عامل حسب اعلام بانک مرکزی و خزانه‌داری کل کشور موظفند نسبت به بستن حساب‌هایی که خلاف مقررات مذکور افتتاح شده‌اند، اقدام کنند.»

آقای رهپیک - این تئمه، اشکالی ندارد. اما نسبت به آن استثناها، ما تا الآن چنین حکمی نداشتیم. تا الآن فقط بانک‌ها و بیمه‌ها از واریز درآمدهای خود به خزانه معاف بودند؛ چون فرض بر این بود که پول آنها پول مردم است، ولی الآن برخی از این شرکت‌های دولتی را هم گفته‌اند که از واریز درآمدهایشان به خزانه معاف شوند. البته در قوانین آمده است که این شرکت‌ها باید بروند مشارکت کنند، تسهیلات بدهند و... ولی تا الآن چنین حکمی نداشتیم که این شرکت‌ها درآمدهای خود را به خزانه واریز نکنند. به نظر من این ماده اشکال اصل (۵۳) دارد.

آقای اسماعیلی - شرکت‌ها و سازمان‌هایی که در این ماده ذکر شده، دولتی هستند.

آقای رهپیک - بله، اینها دولتی هستند.

آقای اسماعیلی - اگر دولتی باشند، اشکال روشن است.

آقای مدرسی یزدی - اگر شرکت باشد، اشکالی ندارد.

آقای رهپیک - اصل (۵۳) گفته است که شرکت‌های دولتی باید درآمدهای خود را به حساب خزانه بریزند.

آقای مدرسی یزدی - نه، ببینید؛ قانون اساسی می‌گوید کلیه دریافت‌های دولت باید به خزانه ریخته شود. شرکت وقتی شخصیت حقوقی مستقل داشته باشد، درآمدهای آن دیگر جزء دریافت دولت نیست. مادامی که شرکت است، ولو اینکه دولتی باشد، شخصیت حقوقی دارد.

آقای سوادکوهی - هر چند شخصیت محض هم نداشته باشد!

آقای مدرسی یزدی - بله، اگر شرکت، مستقل باشد می‌تواند [درآمد خود را به خزانه واریز نکند].

آقای سوادکوهی - شرکت دولتی از بودجه‌ی دولت استفاده می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - بله. بودجه‌ی دولتی هم که داشته باشد، ولی شخصیتش مستقل است. شخصیت مستقل یعنی اینکه حساب و کتاب و همه چیز آن ربطی به دولت ندارد. ورشکسته هم بشود، دولت نباید جبران کند. سود آن هم دیگر سود دولت نیست، مگر از این باب که دولت صاحب سهام است. پس بنابراین شخصیت مستقل می‌شود.

آقای جنتی - شرکت‌هایی که بیش از پنجاه و یک درصد (۵۱٪) سهام آنها متعلق به دولت باشد، چه؟

آقای مدرسی یزدی - همان‌ها دیگر.

آقای جنتی - آنها دولتی هستند.

آقای مدرسی یزدی - دوباره هم می‌گویم، چون شخصیت حقوقی مستقل دارند مشمول اصل (۵۳) نمی‌شود.

آقای رهپیک - در خود این ماده (۳۹) و (۷۶) قانون محاسبات عمومی گفته شده که شرکت‌های دولتی، مؤسسات دولتی و... وجوهی را که از محل درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار مذکور در بودجه وصول می‌شود، به حساب‌های خزانه بریزند. اینها همه‌ی درآمدها را باید به خزانه بریزند.

آقای مدرسی یزدی - قانون محاسبات عمومی، قانون عادی است؛ قانون اساسی که نیست. **آقای رهپیک -** خب در آن قانون، بر چه اساس گفته‌اند که این شرکت‌ها باید درآمدها را به خزانه بریزند؟ بر اساس اصل (۵۳) گفته‌اند باید درآمدهایشان را به خزانه بریزند؛ چون طبق این اصل کلیه‌ی دریافت‌ها و پرداخت‌ها و وجوهی که مربوط به دولت است باید در حساب خزانه متمرکز شود.

آقای مدرسی یزدی - اصل (۵۳) می‌گوید «کلیه دریافت‌های دولت»؛ بله اگر دولت درآمد سهام آن شرکت را گرفت باید به خزانه بریزد، اما سود شرکت را نمی‌شود. مگر شرکتی که هر روز این همه معامله می‌کند، می‌تواند درآمد حاصل از آن را به خزانه بریزد؟

آقای اسماعیلی - اصلاً شرکت درست می‌کنند که این مشکل به وجود نیاید.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای سوادکوهی - به هر صورت، آنها شرکت دولتی هستند.

آقای مدرسی یزدی - بله، باشد. شرکت وقتی شخصیت حقوقی داشت، یعنی حساب و کتاب آن مستقل است و آلاً هر چه از هر کسی می‌گرفت باید به خزانه می‌ریخت.

این طور که نمی‌شود.

آقای رهپیک - الان تمام دستگاه‌های دولتی در خزانه حساب دارند. حتی می‌توانند برای درآمد اختصاصی خود هم حساب باز کنند.

آقای مدرسی یزدی - حساب داشتن غیر از این است که الزام داشته باشند درآمدهای خود را به خزانه بریزند.

آقای رهپیک - الزام دارند.

آقای مدرسی یزدی - نخیر.

آقای رهپیک - همه‌ی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی که ردیف بودجه‌ی دولتی دارند، در خزانه حساب دارند.

آقای مدرسی یزدی - قانون عادی الزامشان کرده و الاً قانون اساسی می‌گوید «دریافت‌های دولت» باید به حساب خزانه واریز شود.

آقای جنتی - خب پس شرکت نفت چی؟

آقای رهپیک - شرکت‌های دولتی، از جمله شرکت نفت، همه‌ی درآمدهایشان را باید به خزانه بریزند.

آقای مدرسی یزدی - اگر واقعاً در اساسنامه‌ی شرکت نفت هم این چنین باشد که شرکت نفت دارای شخصیت مستقل است، [نباید درآمدهایش را به خزانه واریز کند].

آقای رهپیک - آخر واریز درآمدها به خزانه که ربطی به شخصیت مستقل داشتن ندارد. با این حساب، تمام وزارتخانه‌ها هم شخصیت مستقل دارند.

آقای مدرسی یزدی - شرکت را عرض کردم، وزارتخانه را نگفتم. اصلاً وزارتخانه یعنی دولت.

آقای جنتی - اصلاً مشکلات نظام ما مربوط به همین شرکت‌هاست که سود را می‌برند، خسارت را نمی‌پردازند و باری بر دوش دولت‌ها هستند. باید برای اینها یک فکری بکنیم.

آقای سلیمی - این ماده بانک‌ها و بیمه‌های دولتی و سازمان‌های توسعه‌ای را استثنا کرده است؛ یعنی این سه قسم را استثنا کرده است. سازمان‌های توسعه‌ای شامل آن سه چهار موردی است که آورده‌اند؛ سازمان‌های توسعه‌ای شامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان

صنایع کوچک و شرکت‌های صنعتی ایران که همه‌ی اینها تحت عنوان سازمان‌های توسعه‌ای هستند.

آقای رهپیک - خب سازمان توسعه‌ای هم طبق قانون، دولتی است دیگر.

آقای سوادکوهی - در اینکه دولتی هستند، تردیدی نیست.

آقای رهپیک - این سازمان‌ها بودجه‌شان را از دولت می‌گیرند، منتها طبق سیاست‌های کلی اصل (۴۴) عمل می‌کنند.

آقای سلیمی - این سازمان‌ها از دولت بودجه نمی‌گیرند.

آقای رهپیک - چرا دیگر؛ قانون دارد.

آقای سلیمی - اینها از دولت بودجه نمی‌گیرند.

آقای سوادکوهی - اصلاً خود این سازمان‌های توسعه‌ای، دولتی هستند؛ در دولتی بودنشان که بحثی نیست.

آقای سلیمی - اگر این سازمان‌ها از دولت بودجه بگیرند، بحثی نیست.

آقای رهپیک - می‌گوید شرکت‌های دولتی، به استثنای این چند شرکت؛ معلوم است که اینها دولتی هستند دیگر.

آقای سوادکوهی - دولتی هستند. سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان صنایع کوچک و... همگی دولتی هستند.

آقای رهپیک - همین الآن خودشان هم در این ماده نوشته‌اند «شرکت‌های دولتی». قبلاً هم همین‌طور بود و فقط بانک‌ها و بیمه‌ها استثنا شده بودند. تمام شرکت‌های دولتی، یک حساب خزانه برای آنها باز می‌کنند و درآمدشان را به خزانه واریز می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - نه، درآمدهای جزئی‌شان را که واریز نمی‌کنند.

آقای رهپیک - چه فرقی می‌کند؛ هر چه که هست باید واریز کنند.

آقای مدرسی یزدی - نخیر، یعنی می‌فرمایید هر معامله‌ای که هر روز می‌کنند، فوری به حساب می‌ریزند؟

آقای رهپیک - بله، باید به حساب بریزند. حساب سازمان‌های دولتی و شرکت‌های دولتی در خزانه است. به اسم شرکت دولتی، حساب خزانه برای آنها باز می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - بله، ولی هر معامله‌ای که می‌کنند که درآمد آن را نباید به خزانه بریزند.

آقای رهپیک - فرقی نمی‌کند که چند تا معامله در روز انجام می‌دهند.

آقای سوادکوهی - الان به نظر شما، مثلاً شرکت مهمی مثل شرکت ملی صنایع پتروشیمی که در اینجا ذکر شده، به طور کلی از واریز وجوهش به خزانه باید معاف بشود؟!

آقای مدرسی یزدی - من اگر نماینده‌ی مجلس بودم، ممکن بود که به این مصوبه رأی نمی‌دادم، ولی به هر حال خلاف قانون اساسی نیست.

آقای رهپیک - به هر حال دریافت و پرداخت این شرکت‌ها که دولتی است.

آقای سوادکوهی - به نظر من که ایراد اصل (۵۳) دارد.

آقای مدرسی یزدی - مگر اینکه در اساسنامه‌ی شرکت نیامده باشد که مستقل است. اصلاً مستقل یعنی چه؟

آقای رهپیک - مستقل یعنی شخصیت مستقلی از یک شرکت دیگر دارد.

آقای مدرسی یزدی - از شرکت دیگر که نمی‌شود.

آقای رهپیک - از سهامدارانش.

آقای مدرسی یزدی - پس می‌فرمایید از سهامدارش مستقل است. خوب سهامدارش دولت است، پس خود شرکت از دولت مستقل است.

آقای سوادکوهی - اصل (۵۵) چطور؟ چون در این ماده برخی شرکت‌ها را از حسابرسی دیوان محاسبات معاف کرده‌اند.

آقای رهپیک - بله دیگر.

آقای مدرسی یزدی - حسابرسی مذکور در اصل (۵۵) هم که تابع قانون است.

آقای سلیمی - شرکت ملی صنایع پتروشیمی.

آقای سوادکوهی - این ماده، ایراد اصل (۵۵) هم دارد.

آقای مدرسی یزدی - نوشته است طبق قانون محاسبات عمومی باید عمل کنند. بخوائید؛ گفته است: «مشمول مقررات مواد (۳۱)، (۳۹) و (۷۶) قانون محاسبات

عمومی کشور می‌باشند.»

آقای سوادکوهی - نه، در اصل (۵۵) آمده است: «دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید...»، یعنی دیوان محاسبات باید این رسیدگی را نسبت به این شرکت‌ها انجام دهد.

آقای مدرسی یزدی - رسیدگی عیبی ندارد. خب رسیدگی کنند، مشکلی ندارد.

آقای سوادکوهی - خب، این مسئله‌ی رسیدگی در این ماده حذف شده است؛ یعنی گفته است برخی شرکت‌ها و سازمان‌ها از این رسیدگی دیوان محاسبات استثنا هستند.

آقای جنتی - حالا بالاخره این بحث تا چه موقعی می‌خواهد ادامه پیدا کند؟

آقای رهپیک - اگر آقایان اعضا به این ماده، ایراد اصل (۵۳) دارند، بفرمایند.

آقای سوادکوهی - اصل (۵۵) هم هست.

آقای مدرسی یزدی - رأی نمی‌آورد. مواد بعدی را بخوانیم.^(۱)

آقای رهپیک - [خواندن بقیه‌ی مواد] فایده‌ای ندارد دیگر. «ماده ۹- به معاونت

برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور اجازه داده می‌شود به پیشنهاد دستگاه

اجرایی ذی‌ربط، به منظور تأمین پیش‌پرداخت ریالی طرح‌هایی که از منابع

تسهیلات تأمین مالی خارجی (فاینانس) استفاده می‌کنند، نسبت به جابه‌جایی

اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و کاهش تا سقف سی درصد

(۳۰٪) اعتبار هر طرح در هر دستگاه و در قالب فصل ذی‌ربط اقدام نماید.» این

حکم معمولاً در بودجه پیش‌بینی می‌شد و هر سال در بودجه می‌آمد.

منشی جلسه - «ماده ۱۲- به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اجازه داده

می‌شود با تصویب هیئت وزیران درصدی از درآمدهای حاصل از تکالیف مقرر در

پروانه اپراتورها را جهت تحقق اهداف و برنامه‌های خدمات عمومی اجباری و پایه

با اولویت روستایی و شهرهای زیر ده هزار نفر جمعیت از محل ردیف‌های

پیش‌بینی شده در قوانین بودجه سنواتی به صورت درآمد-هزینه و در صورت لزوم

با استفاده از مشارکت اپراتورها به مصرف برسانند. به منظور تحقق اهداف این ماده

و توسعه بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات و تحقق دولت الکترونیک، به

وزارتخانه مذکور اجازه داده می‌شود منابع یادشده را بر اساس مفاد موافقتنامه

متبادله در طرح‌های توسعه‌ای و کمک‌های فنی و اعتباری هزینه کند.»

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۰/۳۲۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ شورای نگهبان: «۲- در ماده (۴)، عنوان

«شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران» همان ابهام معموله این شورا در خصوص لایحه بودجه سال‌های

قبل کل کشور را دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

آقای سوادکوهی - حکم این ماده تا چه موقع است؟

آقای رهپیک - تا ابد! برای ایراد (۵۲) که کسی نیست رأی بدهد. این مصوبه، قانون دائمی است دیگر. می‌گوید همین‌طوری تا هر وقت که شد درصدی را به وزارت ارتباطات بدهند.

آقای مدرسی یزدی - در فارسی، معادل «اپراتور» را چه می‌گویند؟

آقای سوادکوهی - «اپراتور»، ایراد ساده‌ی این ماده است. چرا ایراد مغایرت با اصل (۵۲) را رأی نمی‌گیرید؟

آقای رهپیک - رأی بگیرید، ولی این ایراد رأی کافی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - اجازه بدهید. از چه نظر اشکال مغایرت با اصل (۵۲) را مطرح می‌کنید؟

آقای رهپیک - چون دارد می‌گوید یک درصدی را بردارند و دائماً در بودجه به صورت هزینه-درآمدی بگذارند و خرج کنند.

آقای مدرسی یزدی - خوب بعداً مجلس باید این حکم را در قالب قانون بودجه تصویب کند. نمی‌گوید که خود دولت [این مبلغ را بردارد و هزینه کند].

آقای اسماعیلی - همین بحث همیشگی است دیگر.

آقای سوادکوهی - می‌گوید از محل ردیف‌های پیش‌بینی شده در بودجه به صورت درآمد-هزینه‌ای کسر کنند؛ یعنی همیشه و به طور دائمی این مبلغ را از ردیف بودجه‌ای مورد نظر بردارند و هزینه کنند.

آقای مدرسی یزدی - گفته است «درصدی»، که حالا آن درصد هم تصمیم هیئت وزیران است.^(۱)

منشی جلسه - صفحه (۱۷)، پاراگراف قسمت دوم ماده (۲۱). این پاراگراف هم ذیل جزء (ز) ماده (۱) بوده است که الآن به این قسمت منتقل شده است. «همچنین فضاهای اصلی مساجد، حسینیه‌ها، مؤسسات قرآنی، دارالقرآن‌ها، حوزه‌های علمیه، گلزارهای شهدا، امامزاده‌ها، خانه‌های عالم روستاها و اماکن مذهبی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی علاوه بر معافیت فوق، از پرداخت هزینه مصارف

۱. بند (۶) نظر شماره ۹۳/۱۰۰/۳۲۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ شورای نگهبان: «۶- در ماده (۱۲)، معادل فارسی واژه «اپراتور» ذکر گردد و آلاً مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.»

ماهانه معاف می‌باشند. این حکم شامل اماکن تجاری وابسته به آنها نیست.»

آقای رهپیک - ادامه هم دارد: «اعتبارات مذکور...»

منشی جلسه - آن عبارت قبلاً هم بوده است، فقط «موارد مذکور» به آن اضافه شده است؛ «اعتبارات موارد مذکور در قوانین بودجه سنواتی جهت پرداخت به دستگاه‌های ارائه‌کننده خدمات موضوع این ماده تأمین می‌شود.»

آقای مدرسی یزدی - این ماده را هم درست کنید.

آقای رهپیک - چه چیزی را؟

آقای مدرسی یزدی - ابهام بگیرید و بگویید مقصود از «اماکن مذهبی» در این عبارت «اماکن مذهبی از اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی» چیست؟

آقای اسماعیلی - اماکن دینی، مثلاً کلیسا و امثال آن منظور است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - شما این را می‌گویید و آلاً هر جایی که درست کردند و اسم دین را روی آن گذاشتند که نباید هزینه‌هایش را مجانی کنند.

آقای رهپیک - قبلاً هم به این موضوع، ابهام گرفته‌ایم که برای رفع ایراد، آن را حذف می‌کردند.

آقای مدرسی یزدی - واقع همین است که جایز نیست.

آقای سوادکوهی - حاج آقا، حسینیه‌ها هم که خیلی زیاد است.

آقای رهپیک - این حکم معافیت از مصارف ماهانه، ظاهراً قبلاً نبوده است.

آقای جنتی - ما اصلاً باید ببینیم شرایط و اوضاع این اماکن مذهبی چیست؟ در این اماکن چه کار می‌کنند؟ اگر کارهای خلاف می‌کنند، ما که نمی‌توانیم به آنها کمک کنیم.

آقای مدرسی یزدی - کار خلاف که می‌کنند؛ منتها باید دید در چه حد است.

آقای جنتی - اگر در حد وظایف مذهبی‌شان باشد، یعنی تورات بخوانند یا انجیل بخوانند و موعظه و نصیحت کنند، این موارد چیزی نیست.

آقای رهپیک - ایراد این ماده چیست؟

آقای اسماعیلی - اگر ایراد داشته باشند، ایراد شرعی دارند دیگر.

آقای رهپیک - ایراد شرعی به این ماده دارید؟

آقای مدرسی یزدی - ایراد شرعی که داریم، ولی کسی نیست که رأی بدهد.

آقای رهپیک - حاج آقا رد شویم؟

آقای مدرسی یزدی - ابهام بگیریم.

آقای جنتی - نه، چه ابهامی بگیریم!

منشی جلسه - «ماده ۲۴- در اجرای احکام صادره از محاکم حقوقی در رابطه با محکومیت یا استرداد اموال منقول و غیر منقول در اختیار نیروهای مسلح با تأیید ستاد کل نیروهای مسلح از ردیف اعتباری دستگاه اجرایی محکوم علیه برداشت می شود.»

آقای رهپیک - اشکال این ماده این بود که اگر محکوم علیه وجود دارد و حکم هم صادر شده است، دیگر چرا باید این موضوع به تأیید ستاد کل برسد؟

آقای سوادکوهی - مخالف اصل (۱۵۶) قانون اساسی است.

آقای رهپیک - حالا ممکن است که بگویند حداقل برای بحث های امنیتی گرفتن تأیید از ستاد کل لازم است؛ خوب در این صورت، باید بگوییم که اطلاق این ماده ایراد دارد؛ یعنی باید ضابطه بگذارند. اگر می خواهند در بعضی از موارد بگویند اجرای احکام تابع شرایطی است باید ضوابط آن را تعیین کنند و آلاً به طور کلی چنین حکمی اشکال دارد؛ مثلاً در جایی که زمین مردم را تصرف کرده اند و دادگاه حکم داده است که باید به صاحبش برگردانید، این ماده به طور کلی می گوید حتماً باید با تأیید ستاد کل باشد. **آقای مدرسی یزدی -** نه، در اینجا برداشت پول را گفته اند که با تأیید ستاد کل باشد، نه اینکه اجرای حکم هم نیاز به تأیید داشته باشد.

آقای رهپیک - گفته اند: «استرداد اموال منقول و غیر منقول.»

آقای سوادکوهی - یعنی احکام صادره ی مربوط به استرداد اموال منقول و غیر منقول.

آقای اسماعیلی - برای این هم گفته است «احکام صادره».

آقای رهپیک - بله، یعنی احکام صادره ی مربوط به اینها؛ مثلاً قاضی حکم به استرداد مال غیر منقول صادر کرده است.

آقای سوادکوهی - درست نیست؛ این حکم درست نیست.

آقای رهپیک - کسانی که ایراد دارند، بفرمایند.

آقای مدرسی یزدی - ابهام بگیرید.

آقای رهپیک - نه دیگر، به اطلاقش باید ایراد بگیریم.

آقای مدرسی یزدی - آخر مال غیر منقول که ردیف ندارد.

آقای رهپیک - هر دوی «محکومیت» یا «استرداد» را گفته است.

- آقای مدرسی یزدی** - خیلی خوب؛ می‌گوید از نظر محکومیت یا استرداد.
- آقای رهپیک** - یعنی اجرای حکم محکومیت یا استرداد، هر دو تا باید با تأیید ستاد کل باشد.
- آقای اسماعیلی** - اگر حکم صادر شده و تمام شده است، خوب باید مال را ببرند و بدهند. به ستاد کل چه ربطی دارد؟
- آقای رهپیک** - اگر می‌خواهند از ستاد کل بپرسند، خوب قبل از صدور حکم بپرسند.
- آقای مدرسی یزدی** - نه، یک وقت هست که مسئله خیلی حساس است.
- آقای رهپیک** - خوب، فقط آن مورد حساس را بگویند؛ مثلاً بگویند در موارد امنیتی به تأیید ستاد کل برسد. ما باید به اطلاق این ماده ایراد بگیریم.
- آقای سوادکوهی** - مغایر اصل (۱۵۶) است.
- آقای رهپیک** - بله، مغایر اصل (۱۵۶) است.
- منشی جلسه** - (۵) تا رأی دارد.
- آقای سلیمی** - گفته است «اجرای محکومیت»، یعنی فقط در خصوص اجرا باید به تأیید ستاد کل برسد.
- آقای رهپیک** - بله، فقط اجرا منظور است دیگر؛ چون ستاد کل که نمی‌تواند حکم صادر کند.
- منشی جلسه** - آقای دکتر، (۵) تا رأی دارد.
- آقای رهپیک** - نه، همه‌ی آقایان رأی دادند.
- منشی جلسه** - (۶) تا.
- آقای رهپیک** - حاج آقای جنتی هم رأی می‌دهند.
- آقای هاشمی شاهرودی** - حاج آقا همه به این ایراد رأی دادند. فقط شما مانده‌اید که (۷) رأی بشویم. این ماده گفته است که اگر دادگاهی کسی را محکوم کرد، مثلاً محکوم نظامی است، برای اجرای حکم باید از ستاد کل اذن بگیرند. اشکال به اطلاق این ماده درست است؛ چون بعضی وقت‌ها مسئله امنیتی است، خوب در آنجا اشکالی ندارد که از ستاد کل اذن بگیرند، اما اگر مسئله امنیتی نباشد، نیازی به اذن ستاد کل نیست. بله، ایشان هم رأی دادند.
- آقای سلیمی** - کلمه‌ی «اطلاع» را اگر به جای کلمه‌ی «تأیید» بگذارند، به نظرم مشکل حل می‌شود.

آقای سوادکوهی - نه اطلاع نمی‌خواهد.

آقای رهپیک - حالا یک جور باید این ماده را درست کنند. اگر اطلاق این ماده ایراد دارد، خودشان بروند درست کنند.

منشی جلسه - آقای دکتر بگویم اطلاق این ماده نسبت به مسائل غیر امنیتی ایراد دارد؟
آقای رهپیک - اصلاً بگویم اطلاق تأیید ستاد کل در این ماده ایراد دارد.

آقای اسماعیلی - ممنوع کردن اجرای حکم، ایراد دارد.

آقای رهپیک - مغایر اصل (۱۵۶) است. ماده‌ی بعدی را بخوانید.^(۱)

منشی جلسه - «ماده ۳۵ -

۱- وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و سایر دستگاه‌های اجرایی در موارد استفاده از بودجه عمومی دولت، مکلفند صورت‌های مالی خود را براساس استانداردهای حسابداری بخش عمومی کشور (تدوین شده توسط سازمان حسابرسی) در چهارچوب دستورالعمل‌های حسابداری وزارت امور اقتصادی و دارایی (بر مبنای حسابداری تعهدی) تهیه نمایند.

تبصره- نحوه و زمان‌بندی اجرای کامل حسابداری تعهدی (حداکثر ظرف مدت سه سال) طبق آیین‌نامه اجرایی است که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دیوان محاسبات کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

۲- در اجرای بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد، با توجه به محاسبه هزینه تمام‌شده فعالیت‌ها و اقدامات و تخصیص اعتبارات بر این اساس، ایجاد هرگونه بدهی بابت حق اشتراک برق، آب، هزینه‌های پستی، مخابراتی و سایر هزینه‌ها نظیر دیون بلامحل، تعهدات زائد بر اعتبار، بازپرداخت تعهدات ارزی ممنوع است.

۳- افزایش اعتبار هر یک از فعالیت‌های منظور شده در ذیل برنامه‌های دستگاه اجرایی از محل کاهش سایر فعالیت‌های همان برنامه، مشروط بر آنکه در سرجمع

۱. بند (۱۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۰/۳۲۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ شورای نگهبان: «۱۳- در ماده (۲۴)، اطلاق منوط نمودن اجرای احکام صادره از محاکم حقوقی به تأیید ستاد کل نیروهای مسلح، مغایر اصل (۱۵۶) قانون اساسی شناخته شد.»

اعتبارات برنامه‌های آن دستگاه تغییر حاصل نشود حداکثر به میزان سی درصد (۳۰٪) در چهارچوب موافقتنامه‌های متبادله مجاز است. افزایش اعتبارات هزینه‌ای برنامه‌ها با رعایت ماده (۷۹) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت^(۱) مجاز است و افزایش و کاهش اعتبار فعالیت یا فعالیت‌ها نیز بر همان اساس امکان‌پذیر می‌باشد.

۴- به وزارت امور اقتصادی و دارایی (خزانه‌داری کل کشور) اجازه داده می‌شود با رعایت مقررات قانونی مربوط از محل منابع وصولی بودجه عمومی دولت که تا پایان اسفندماه هر سال به حساب‌های مربوط در خزانه‌داری واریز شده است، حداکثر تا پایان فروردین‌ماه سال بعد و در سقف تخصیص‌های ابلاغی تا پایان سال مالی مربوط، که با رعایت مفاد بند (و) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^(۲) و ماده (۳۰) قانون برنامه و بودجه کشور مصوب

۱. ماده (۷۹) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷۹- افزایش اعتبار هزینه هر یک از برنامه‌ها و فصول هزینه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی منظور در قوانین بودجه سالانه، از محل کاهش دیگر برنامه‌ها و فصول هزینه دستگاه ذی‌ربط، مشروط به آنکه در جمع اعتبارات هزینه‌ای آن دستگاه تغییری حاصل نشود حداکثر تا سی درصد (۳۰٪) به پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه اجرایی و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مجاز می‌باشد. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته به وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کماکان بودجه خود را در قالب برنامه و طرح، تنظیم و اجرا می‌نمایند و تخصیص دریافت می‌کنند و تابع قانون تشکیل هیئت امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب سال ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی و قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۱۸ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه‌های مربوطه می‌باشند. تأمین و پرداخت کسور بازنشستگی سهم دولت از شمول محدودیت‌های این ماده مستثنی می‌باشد. در اجرای ماده (۱۱) اساسنامه سازمان بازنشستگی کشوری مصوب ۱۳۵۴/۳/۸، خزانه مکلف است به تقاضای سازمان مذکور، کسور مربوط به هر دوره را از تخصیص اعتبار آن دوره برداشت و به صندوق بازنشستگی کشوری پرداخت نماید.»

۲. بند (و) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۲۲۴- قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن با اصلاحات و الحاقات زیر برای دوره برنامه پنجم تنفیذ می‌شود:

الف- ...

و- کلیه اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی و کمک‌ها و سایر اعتبارات و ردیف‌های مندرج در جداول قوانین بودجه سنواتی به شرح عناوین و ارقام جداول مذکور فقط در

۱۳۵۱ و اصلاحات بعدی آن^(۱) صورت گرفته، نسبت به تأمین و پرداخت درخواست وجه دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط بابت اعتبارات مصوب تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (اعم از محل درآمد اختصاصی یا عمومی) اقدام کند.

تبصره- در ماده واحده قانون اصلاح مواد (۶۳) و (۶۴) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۵،^(۲) عبارت «در مورد اعتبارات هزینه‌ای تا پایان سال مالی و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تا پایان فروردین‌ماه سال بعد توسط خزانه‌داری کل کشور در اختیار دستگاه‌های اجرایی قرار گرفته باشند» جایگزین عبارت «و تا پایان سال مالی توسط خزانه‌داری کل کشور در اختیار ذی‌حسابی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط قرار گرفته باشند» می‌شود.

۵- حساب‌های دریافت منابع عمومی دولت، حساب خزانه‌داری کل کشور محسوب شده و دستگاه‌های اجرایی وصول‌کننده منابع، صاحب حساب تلقی نمی‌شوند. حق برداشت از حساب‌های یادشده به عهده صاحبان امضاهای مجاز

→

حدود وصولی درآمدها و سایر منابع عمومی به شرح عناوین و ارقام مندرج در جداول مربوط قوانین یادشده بر اساس مفاد موافقتنامه‌های متبادله دستگاه با معاونت و در حدود ابلاغ و تخصیص اعتبار از سوی معاونت، قابل تعهد، پرداخت و هزینه است.»

۱. ماده (۳۰) قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰ مجلس شورای ملی: «ماده ۳۰- کلیه اعتبارات جاری و عمرانی که در بودجه عمومی دولت به تصویب می‌رسد بر اساس گزارش‌های اجرایی بودجه و پیشرفت عملیات در دوره‌های معین‌شده توسط کمیته‌ای مرکب از نمایندگان وزارت دارایی و سازمان تخصیص داده می‌شود. نحوه تخصیص اعتبارات فوق‌الذکر و دوره‌های آن به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که بنا به پیشنهاد وزارت دارایی و سازمان به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

۲. قانون اصلاح مواد (۶۳) و (۶۴) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده- مهلت‌های مذکور در مواد (۶۳) و (۶۴) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ برای تعهد و پرداخت هزینه‌های جاری و عمرانی (سرمایه‌گذاری ثابت) اعم از اینکه از محل اعتبارات عمومی و یا اختصاصی تأمین شده و تا پایان سال مالی توسط خزانه‌داری کل در اختیار ذی‌حسابی دستگاه‌های ذی‌ربط قرار گرفته باشند به ترتیب برای هزینه‌های جاری پایان فروردین‌ماه و هزینه‌های عمرانی پایان تیرماه سال بعد اصلاح می‌گردد. مانده وجوه مصرف نشده تا تاریخ‌های مذکور پس از انقضای مهلت ظرف ده روز به خزانه واریز می‌گردند. کلیه قوانین و مقررات عام و خاص مغایر از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون لغو می‌گردند.»

خزانه‌داری کل کشور در مرکز و خزانه معین استان در استان‌ها می‌باشد و هیچ مرجع دیگری حق برداشت از حساب‌های یادشده را ندارد. برداشت از حساب‌های پرداخت دستگاه‌های اجرایی با رعایت قانون نحوه پرداخت محکوم‌به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵/۸/۱۵ امکان‌پذیر است.»

آقای شب‌زنده‌دار - این که در بند (۵) این ماده گفته شده حساب‌های دریافت منابع عمومی دولت، حساب خزانه‌داری کل کشور حساب می‌شود، خلاف نیست؟
آقای ره‌پیک - خب چه کار بکنند؟

آقای شب‌زنده‌دار - نه، چون ما در قانون اساسی برای خزانه‌داری تعریف داریم، آیا می‌توانیم بگوییم حساب‌های دریافت منابع عمومی دولت، همان حساب خزانه‌داری کل کشور است؟
آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای شب‌زنده‌دار - چرا دیگر.

آقای مدرسی یزدی - کجای قانون اساسی تعریف خزانه‌داری کل کشور را گفته است؟!
آقای شب‌زنده‌دار - خزانه‌داری یک معنای خاص دارد.

آقای اسماعیلی - در اصل (۵۳) از خزانه‌داری کل کشور صحبت کرده است، ولی نگفته است که تعریف خزانه‌داری چیست یا مصداقش کجاست.
آقای شب‌زنده‌دار - قانون که واضح است.

آقای ره‌پیک - الآن همه‌ی این حساب‌ها در خزانه‌داری متمرکز است.

آقای شب‌زنده‌دار - الآن خزانه‌ی معین هم در خزانه است؛ منتها اگر همه‌ی حساب‌ها در خزانه‌داری کل کشور است پس چرا در بند (۵) می‌گوید حساب‌های دریافت منابع عمومی دولت، حساب خزانه‌داری کل کشور محسوب می‌شود.

آقای ره‌پیک - منظور آنهایی است که پول‌هایشان را مصرف نکرده‌اند.

آقای شب‌زنده‌دار - الآن دولت یک حساب‌هایی دارد که غیر از حساب خزانه است.

آقای ره‌پیک - نه، همه‌ی حساب‌های دولت در خزانه است.

آقای شب‌زنده‌دار - ظاهراً در این بند، یک سری حساب‌ها را از خزانه‌داری جدا کرده‌اند.

آقای ره‌پیک - حالا من عرض می‌کنم. ببینید؛ دستگاه‌ها برای خودشان در خزانه‌داری کل کشور حساب دارند. این دستگاه‌ها سال مالی که تمام می‌شود همه‌ی پول‌هایشان را

که مصرف نمی‌کنند. این پول‌های مصرف‌نشده را باید برگردانند. این بند می‌گوید وقتی دستگاه‌ها این پول را بر می‌گردانند و به حساب دریافت منابع عمومی دولت می‌ریزند، دیگر این پول به حساب خزانه‌داری کل محسوب می‌شود.

آقای اسماعیلی - می‌گوید کسی از این حساب‌ها برداشت نکند.

آقای رهپیک - یعنی خود دستگاه دیگر نمی‌تواند بگوید این پولی که برگشته است، مربوط به حساب من در خزانه است.

آقای شب‌زنده‌دار - گفته است حساب‌های دریافت منابع عمومی دولت، حساب خزانه‌داری کل کشور محسوب می‌شود.

آقای اسماعیلی - البته اگر به این صورت نباشد فایده‌ای ندارد. بازگرداندن به حساب در همه جا همین طوری است.

آقای سوادکوهی - این که شما می‌فرمایید در رابطه با عین پول است.

آقای اسماعیلی - بله.

منشی جلسه - «ماده ۳۶- به دولت اجازه داده می‌شود اقدامات زیر را به عمل آورد:

الف- واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای جدید و نیمه‌تمام و تکمیل‌شده و آماده بهره‌برداری در قالب قراردادها و شرایط مورد تصویب شورای اقتصاد با تعیین نحوه تأمین مالی دوره ساخت (فاینانس)، پرداخت هزینه‌های بهره‌برداری یا خرید خدمات در مدت قرارداد با رعایت استانداردهای اجرای کیفیت خدمات و نهایتاً واگذاری طرح پس از دوره قرارداد به بخش غیردولتی با حفظ کاربری

ب- واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیمه‌تمام و تکمیل‌شده که خدمات آنها قابل عرضه توسط بخش غیردولتی است به صورت نقد و اقساط به بخش غیردولتی با حفظ کاربری

ج- این بند حذف شده است.

د- واگذاری مالکیت، حق بهره‌برداری و یا بهره‌برداری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای قابل واگذاری و نیز اموال منقول و غیر منقول و حقوق مالی مازاد بر نیاز دولت با حفظ کاربری

تبصره ۱- درآمد دولت ناشی از اجرای احکام این ماده پس از واریز به

خزانه‌داری کل کشور و از محل ردیف خاصی که برای این منظور در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود و نیز اعتبار ردیف‌های مربوط به طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در قالب تسهیلات و وجوه اداره‌شده شامل یارانه، سود و کارمزد و یا تسهیلات و کمک و سایر روش‌های تأمین مالی مورد تصویب شورای اقتصاد به طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و یا تبدیل به احسن نمودن تجهیزات سرمایه‌ای و اموال غیر منقول در قالب موافقتنامه متبادله با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور قابل اختصاص است.

تبصره ۲- کمک‌های بلاعوض موضوع این ماده، درآمد اشخاص تلقی نمی‌شود و مشمول پرداخت مالیات بر درآمد نیست.»

آقای اسماعیلی - به طور کلی می‌خواهند این اجازه را به دولت بدهند؟

آقای رهپیک - این حکم همیشه در قوانین بودجه بوده است.

آقای سوادکوهی - بله، این حکم معمولاً در بودجه می‌آمده است. چون هر سال بودجه، یک رقم و یک مطلبی را در نظر دارد، اما تا آخر که باقی نمی‌ماند. این تبصره اشکالی ندارد؟ بودجه‌ای نیست؟

آقای سلیمی - با توجه به حکم این تبصره باید هر سال آن مصداق مشخصش را در بودجه بیاورند.

آقای سوادکوهی - اشکالی ندارد، هر سال در بودجه می‌آورند؛ اما اینجا به دولت اجازه داده می‌شود که این کار را بکنند. خب دیگر دولت چه بودجه‌ای بنویسد، دولت خودش را از نوشتن این موارد فارغ می‌بیند.

آقای رهپیک - نه، حکم این تبصره برای خود دستگاه‌هاست؛ به دستگاه‌ها می‌گوید شما طرح‌هایتان را تبدیل به احسن کنید.

آقای سوادکوهی - نه، بالاخره این مسئله و میزان درآمد و هزینه‌ی آن، باید هر سال در قالب قانون بودجه بیاید. الآن در این ماده، به طور کلی به دولت اجازه داده می‌شود که این حکم را در لایحه‌ی بودجه حذف کند و در بودجه نیاورد! رقم مربوط به حکم این تبصره در بودجه، رقم مهمی است.

آقای رهپیک - نه، دارد می‌گوید این موارد را در ردیف‌های مربوط به تملک

دارایی‌های سرمایه‌ای ببینند.

آقای سوادکوهی - نه، گفته است: «به دولت اجازه داده می‌شود که اقدامات زیر را به عمل آورد: الف- واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای جدید و نیمه‌تمام...» این طور است دیگر. الآن بند (الف) ماده (۳۶) این را می‌گوید.

«ب- واگذاری طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای نیمه‌تمام و تکمیل شده که خدمات آنها قابل عرضه توسط بخش غیردولتی است به صورت نقد و اقساط به بخش غیردولتی با حفظ کاربری.» این را هم به طور کلی دارد می‌گوید.

آقای رهپیک - خب، واگذاری طرح‌ها را که طبق سیاست‌های کلی اصل (۴۴) باید انجام بدهند.

آقای سوادکوهی - این ماده دارد یک رویه‌ای را برای دولت در رابطه با این امور در قانون ایجاد می‌کند که دولت در بحث مربوط به قانون بودجه‌ی سالانه از آنها بی‌نیاز شود؛ یعنی این قانون، کلاً برای این است که این موارد را دیگر در بودجه‌ی سالانه وارد نکنند.

آقای رهپیک - این ماده به دولت اجازه می‌دهد که سیاست‌گذاری کند؛ مثلاً دولت طرح ساخت بیمارستان را دارد که در قانون بودجه هم هزینه‌ی آن پیش‌بینی شده است. این ماده به دولت می‌گوید آن طرح را خصوصی‌سازی کن یا واگذار کن. اتفاقاً حکم این ماده خوب است.

آقای سوادکوهی - نه.

آقای مدرسی یزدی - این اشکال تنها به تبصره (۱) این ماده وارد می‌شود که گفته است «از محل ردیف ...»

آقای رهپیک - یعنی این ردیف در قانون بودجه آمده است.

آقای سوادکوهی - می‌گوید «درآمد دولت ناشی از اجرای این حکم ...»

منشی جلسه - آخرین مورد صفحه (۳۴)، بند (ع) ماده (۳۷):

«ع- به دولت اجازه داده می‌شود به منظور پیش‌آگاهی، پیشگیری، امدادسانی، بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده از حوادث غیرمترقبه از جمله سیل، زلزله، سرمازدگی، نگرگ، طوفان، آتش‌سوزی، گرد و غبار، پیشروی آب دریا، آفت‌های فراگیر محصولات کشاورزی و بیماری‌های همه‌گیر انسانی و دامی و حیات وحش و مدیریت خشکسالی، تنخواه‌گردان

موضوع ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰^(۱) را به سه درصد (۳٪) و اعتبارات موضوع ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۷^(۲) را به دو درصد (۲٪) افزایش دهد. اعتبارات مذکور با پیشنهاد وزارت کشور و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور (ظرف ده روز) و تصویب هیئت وزیران قابل هزینه است. از ابتدای سال ۱۳۹۵ بخشی از اعتبارات مذکور به ترتیب و میزانی که در قوانین بودجه سنواتی تعیین می‌شود به صورت هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به جمعیت هلال احمر و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اختصاص می‌یابد تا در جهت آمادگی و مقابله با حوادث و سوانح هزینه گردد.»

۱. ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۰- به دولت اجازه داده می‌شود برای پیش‌آگاهی‌ها، پیشگیری، امداد رسانی، بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده از حوادث غیرمترقبه از جمله سیل، زلزله، سرمازدگی، تگرگ، طوفان، پیشروی آب دریا، آفت‌های فراگیر محصولات کشاورزی و اپیدمی‌های دامی، اعتبار مورد نیاز را در لویح بودجه سالانه منظور نماید. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت کشور با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط کمک‌های بلاعوض را برای پرداخت خسارت دیدگان به طریقی تعیین می‌کنند که سهم اعتبار اقدامات بیمه در جبران خسارت ناشی از حوادث غیرمترقبه یادشده نسبت به کمک‌های بلاعوض، سالانه افزایش یابد و با پوشش بیمه‌ای کامل به تدریج کمک‌های بلاعوض حذف شوند. به دولت اجازه داده می‌شود در صورت وقوع حوادث غیرمترقبه از جمله خشکسالی، سیل و مانند آنها تا معادل یک درصد (۱٪) از بودجه عمومی هر سال را از محل افزایش تنخواه‌گردان خزانه موضوع ماده (۱) این قانون تأمین و هزینه نماید. تنخواه مذکور حداکثر تا پایان همان سال از محل صرفه‌جویی در اعتبارات عمومی و یا اصلاح بودجه سالانه تسویه خواهد شد. آیین‌نامه اجرایی این ماده بنا به پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»
۲. ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۷/۲/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۲- به دولت اجازه داده می‌شود در صورت وقوع حوادث طبیعی و سوانح پیش‌بینی نشده معادل یک و دو دهم درصد (۱/۲٪) از بودجه عمومی هر سال را از محل افزایش تنخواه‌گردان خزانه تأمین کند تا به صورت اعتبارات خارج از شمول با پیشنهاد شورای عالی و تأیید رئیس جمهور هزینه گردد.»

آقای ره‌پیک - احتمالاً نسبت به این بند هم ایراد اصل (۵۲) رأی ندارد.

آقای سوادکوهی - تمام شد؟

آقای ره‌پیک - بله دیگر، تمام شد.^(۱)

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰/۳۲۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۸۸/۶۶۴۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۹ و پیرو نامه شماره ۹۳/۱۰/۳۱۷۷ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۰، طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مصوب جلسه مورخ نوزدهم آذرماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسات متعدد شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- در بند (د) ماده یک، از آنجا که فرآورده‌های تولیدی شامل فرآورده‌های صادراتی هم می‌شوند، مغایر بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم و بالتبجه مغایر بند یک اصل (۱۱۰) قانون اساسی می‌باشد. همچنین بند الحاقی یک به ماده مذکور، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شد.

۲- در ماده (۴)، عنوان «شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران»، همان ابهام معموله این شورا در خصوص لایحه بودجه سال‌های قبل کل کشور را دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۳- تبصره ماده (۶)، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شد.

۴- فراز دوم ماده (۷)، نظر به اینکه طبق اصل (۵۳) قانون اساسی باید همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام بگیرد، بنابراین از این حیث مخالف اصل مرقوم است.

۵- بند (الف) ماده (۱۱)، مغایر اصول (۵۲)، (۵۳) و (۷۵) قانون اساسی شناخته شد. همچنین بند (ب) این ماده، مغایر اصول (۵۲) و (۷۵) قانون اساسی می‌باشد. به علاوه بند (ج) این ماده نیز مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است.

۶- در ماده (۱۲)، معادل فارسی واژه «اپراتور» ذکر گردد و آلا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.

۷- اطلاق ماده (۱۶)، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شد.

۸- ماده (۱۷)، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شد.

۹- ماده (۲۰)، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شد.

۱۰- فراز اول ماده (۲۱)، از حیث تقلیل درآمد عمومی، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

۱۱- در ماده (۲۲)، تکلیف دولت به اینکه صد درصد (۱۰۰٪) وجوه حاصله در بودجه سالانه، از محل اعتباری که در بودجه سالانه پیش‌بینی می‌شود بابت هزینه‌ها اختصاص داده و پرداخت شود، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شد. همچنین اطلاق تصویب آیین‌نامه توسط هیئت دولت نسبت به امور قضایی، مغایر اصل (۱۵۷) قانون اساسی است.

۱۲- ماده (۲۳)، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شد.

۱۳- در ماده (۲۴)، اطلاق منوط نمودن اجرای احکام صادره از محاکم حقوقی به تأیید ستاد کل نیروهای مسلح، مغایر اصل (۱۵۶) قانون اساسی شناخته شد.

۱۴- فراز دوم ماده (۲۵)، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی می‌باشد. همچنین از آنجا که واژه «تهیه» ظهور در تصویب دستورالعمل توسط مرجع مذکور دارد، دخالت دیوان محاسبات کشور در تصویب

→

دستورالعمل، مغایر اصل (۵۵) قانون اساسی شناخته شد.

۱۵- تبصره (۲) ماده (۳۰)، هم از حیث پرداخت از محل‌های مذکور و هم از جهت تهاوتر، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

۱۶- در بند (ه) ماده (۳۲)، معادل فارسی واژه «ویگاه» ذکر گردد و آلا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.
 ۱۷- جزء یک بند (ی) و همچنین بند (ل) ماده (۳۷)، مغایر اصول (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی می‌باشند، و همچنین فراز اول و دوم بند (س) این ماده، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شد. به علاوه فراز دوم و سوم بند (ف) این ماده، دارای ابهام فراوان بوده و نیازمند اصلاح عبارتی است و نیز مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشد. علاوه بر موارد مذکور، بند الحاقی به این ماده نیز مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

۱۸- ماده (۳۹)، از آن جهت که طبق اصل (۵۳) باید همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام گیرد، مغایر اصل مذکور می‌باشد.

۱۹- ماده (۴۶)، از جهت در اختیار قرار دادن معادل وجوه واریزی از محل اعتبارات مذکور، مغایر اصول (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.

۲۰- ماده (۴۹)، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد. همچنین در تبصره (۳) این ماده، منظور از عبارت «هزینه‌های معیشت» روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۲۱- ماده (۵۴)، از آنجا که محل مصرف مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را تغییر داده است، مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ این شورا می‌باشد. همچنین مصرف درآمدهای مذکور در این ماده، باید مقید به بودجه سالانه گردد و آلا مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.

۲۲- ماده الحاقی (۶)، از حیث افزایش بار مالی و عدم تأمین منبع، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.
 ۲۳- در ماده الحاقی (۱۱)، از آنجا که طبق تبصره (۳) بند (ط) ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم توسعه مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعطای تسهیلات صرفاً از طریق عاملیت بانک‌های دولتی و خصوصی خواهد بود، اعطای تسهیلات از طریق صندوق مهر امام رضا (علیه السلام)، مغایر اصل (۱۱۲) و نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ این شورا شناخته شد.

۲۴- ماده الحاقی (۱۸)، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.

۲۵- جزء یک بند (الف) ماده الحاقی (۲۳)، منظور از «کمیسیون موضوع ماده (۳۲) این قانون» روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. همچنین اجزاء (۲) و (۳) این بند، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشد.

۲۶- ماده الحاقی (۲۴)، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

۲۷- اطلاق ماده الحاقی (۲۷)، نسبت به بعد از سال‌های برنامه، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.
 ۲۸- بندهای (الف)، (ب) و همچنین جزء یک بند (ج) ماده الحاقی (۲۸)، مغایر اصل (۷۵) قانون

←

→

اساسی شناخته شد.

۲۹- در بند (الف) ماده الحاقی (۳۱) و تبصره آن، عنوان «شرکت ملی گاز ایران»، همان ابهام معموله این شورا در خصوص لایحه بودجه سال‌های قبل کل کشور را دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۳۰- بند (ب) ماده الحاقی (۳۲)، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

۳۱- در ماده الحاقی (۳۳)، در صورتی که چنین حکمی در خصوص واگذاری‌های قبلی وجود نداشته است، خلاف موازین شرع می‌باشد.

۳۲- بندهای (الف) و (ب) ماده الحاقی (۴۵)، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشد.

۳۳- در ماده الحاقی (۴۷)، در صورت افزایش حساب پس‌انداز کارکنان دولت (سهم دولت) به (۱۵۰۰) امتیاز، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشد.

۳۴- در ماده الحاقی (۵۲)، حرف (و) از عبارت «قتل و یا جرح غیر عمدی» حذف گردد. همچنین لازم است در این ماده نسبت به جرائم غیر کلاهبرداری امثال ارتشاء، اختلاس، سرقت، خیانت در امانت تعیین تکلیف شود.

۳۵- در ماده الحاقی (۵۳)، چون وضعیت مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی مذکور یکسان نیست، باید طبق ضوابط تعیین شده توسط مقام معظم رهبری (مآذ ظله‌العالی) که در نامه‌های شماره ۱/۲۲۶۶۳ مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۱ دفتر مقام معظم رهبری، شماره ۵/۶۰۶۱۷ مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۷ معاونت نظارت و حسابرسی دفتر مقام معظم رهبری و شماره ۷۰/۱۴۹۲/س/م مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۷ رئیس ستاد فرمان اجرایی حضرت امام (رحمه‌الله علیه) ذکر گردیده، اصلاح شود و آلا مغایر اصول (۵۷) و (۱۱۰) قانون اساسی می‌باشد.

۳۶- ماده الحاقی (۵۸)، از این جهت که مشخص نیست آیا پس از اتمام قرارداد به هر دلیل الزام به پرداخت حق بیمه وجود دارد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.
تذکرات:

۱- در خط دوم فراز دو بند (ج) ماده یک، «شرکت‌های پتروشیمی» باید به «شرکت‌های پایین‌دستی پتروشیمی» اصلاح شود.

۲- در ماده (۶)، واژه «صرف‌کننده» به «مصرف‌کننده» اصلاح شود.

۳- در ماده (۲۲)، عبارت «تودیع ودیعه» به «تودیع وثیقه» اصلاح گردد.

۴- در تبصره (۳) ماده (۴۹)، «مراکز خدمات حوزه‌های علمیه» به «مرکز خدمات حوزه‌های علمیه» اصلاح شود.

۵- در ماده الحاقی (۲)، عنوان سند مذکور اصلاح شود.

۶- در بند (ج) ماده الحاقی (۲۸)، معادل فارسی واژه «پاراگراف» ذکر گردد.

۷- در ماده الحاقی (۵۵)، عبارت اخیر فراز اول باید به این نحو اصلاح گردد که پس از تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح اقدام نمایند.»

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۹۲/۸/۸)

«یکی از چیزهایی که شاید بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام... انتشاره‌اکرات شوراست. این خیلی چیز خوبی است... فرض
بفرمایید در قانون مجازات ماده چندم این قانون، ممکن است دو نظر مخالف یا سه نظر مخالف وجود داشته باشد. خیلی خوب
است که در انتشاره‌اکرات، این نظرات مخالف ذکر شود... یعنی این می‌شود یک مستندی، این یک سابقه‌ای است.
این سوابق مهم است. اینکه مثلاً شورای نگهبان بتواند در سال هزار و چهارصد و فلان بگوید که این حکم و این بنا مثلاً در نگاه سال
پیش در شورای نگهبان بحث شد و این حرف‌ها گفته شد و این نظر از بحث‌ها در آمد، خود این یک مستند و یک پشتوانه تقویت
علمی است برای آرای شورا. بنابراین انتشاره‌اکرات هم به نظر من خیلی خوب است.»



پژوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمرنی،

کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵

تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir